



گزارش تحقیق

درباره‌ی

« تصویر زن در کتب‌درسی دوره‌ی ابتدایی »

بمناسبت پنجاه سال شاهنشاهی دودمان پهلوی

از :

نیک چهره محسنی - با همکاری فریدون ثناگوراد

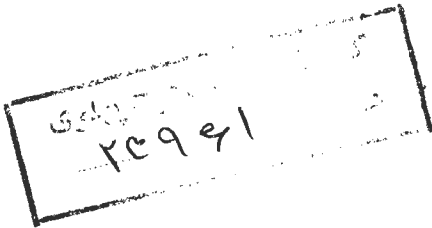
۱۷ دیماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی

N
۷۶۳۸
۱۹۴۳ الف
۲۰ ن

از انتشارات سازمان زنان ایران

۱۰
۵۲

۵۹۵۲۰۱۱۴



گزارش تحقیق

درباره‌ی

« تصویر زن در کتب درسی دوره‌ی ابتدایی »

بمناسبت پنجاه سال شاهنشاهی دودمان پهلوی

N ۷۴۲۸
۱۹۲۳
خ. ۲۰

از:

نیک چهره محسنی - با همکاری فریدون ثناگوراد

۱۷ دیماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۱۱	روش بررسی
۱۶	نتایج کمی (بررسی نقش)
۲۱	نتایج کمی (بررسی نیمرخ)
۲۷	نتایج کمی (مقایسه نیمرخ زن و مرد)
۳۲	مقایسه کیفی نیمرخ (زن و مرد)
۳۷	بررسی همانند سازی
۴۲	نتایج بررسی کیفی برحسب کتب مختلف
۴۸	بحث
۵۴	پیشنهادات
۶۰	فهرست مقولات
۶۹	جداول
۸۴	نیمرخ‌ها

مقدمه

زن در اجتماع کنونی ایران ، بدون شك ، نسبت به گذشته از نظر باز شدن افقها ، ورود در جامعه‌ای گسترده‌تر از ابعاد فیزیکی خانواده و قبول مسؤلیت‌های اجتماعی در وضع و موقعیت بهتری است . آمار دانش‌آموزان و دانش‌جویان دختر در مؤسسات مختلف آموزشی ، رسوخ زنان در مشاغل مختلف اداری ، آموزشی و در سطوح تصمیم‌گیری درباره‌ی امور مملکتی و یا حتی برخی تغییرات در قوانین حقوقی ، تماماً نمودار تغییرات مثبتی می‌باشند که در این مورد وقوع یافته‌اند . ولی به نظر ما مسئله‌ای که اگر مهم‌تر نباشد لاقلاً به همان اندازه مهم می‌نماید که آمار دانش‌آموزان و دانش‌جویان دختر و یا آمار زنان شاغل ، مسئله‌ی اصالت این تغییرات و پیشرفت‌ها از نظر زن و یا به عبارت صحیح‌تر ، میزان آگاهی یافتن او بر لزوم این پیشرفت‌ها است . واقعاً تا چه حد قبول مسؤلیت‌های اجتماعی ، باز شدن افق‌های زندگی و بدست آوردن آگاهی‌های مختلف ، از نظر زن ایرانی ، يك وسیله‌ی لازم بیان و ابراز وجود است ؟

يك زن شاغل را مثال می‌آوریم : انگیزه‌های او در قبول مسؤلیت شغلی تا چه حد ناشی از لزوم پرکردن خلاءهای اقتصادی ، و یا ابراز عکس‌العمل نسبت به محدودیت‌ها و یا پیروی و تقلید از يك رسم جاری است و تا چه حد در زمینه این علل و یا علل مشابه دیگر ، انگیزه‌ای پایدارتر نیز میتواند موجود

باشد که لزوم اثبات وجود به عنوان يك انسان آزاد، متفکر و اجتماعی است. مقام زن یا بطور کلی مقام انسان در يك جامعه، علاوه بر جنبه‌ی خارجی یا بیرونی آن که مربوط به قراردادها، قوانین و سنت‌ها است، يك جنبه بسیار مهم دیگر نیز دارد که چگونگی تصور او نسبت به خود است. ولی این تصور نسبت به خود نیز تابعی از قوانین و قراردادهای حاکم بر رفتار انسانها و توصیف‌کننده مقام و پایگاه اجتماعی آنها در يك جامعه است. منتها اگر قراردادها و قوانین را میتوان در برخی موارد سریع‌تر عوض کرد، هضم و قبول و تأثیرگذاری آنها بر تغییر طرز تفکرها امریست تدریجی، یا به عبارت کلی‌تر، امریست آموزشی که لزوماً در ابعاد تداوم و تقارن زمان به مدد کلیه وسایل آموزشی و فرهنگی جامعه، در معنای وسیع آن، صورت می‌پذیرد. نتایج يك تحقیق (۱) کوتاه درباره تصویر مقایسه‌ای خود در نزد زن و مرد، دختر و پسر جوان نشان میدهد که هنوز تصور برخی از زنان شاغل و زارتخانه‌ها (۲) نسبت به خود و نسبت به دیگر گروههای مذکور متأثر از سنت‌ها است و ظاهراً با تغییرات فعلی جامعه ما تطابق زیاد ندارد. به حسب نتایج تحقیق نامبرده شاخص‌ترین خصوصیات زن از نظر خود او عبارتند از دادن اهمیت و ابراز علاقه زیاد به زندگی خانوادگی، فداکاری و گذشت، توجه داشتن به سنن و آداب، بذل توجه ناچیز به مسائل اجتماعی، به موقعیت‌های شغلی و به مسائل سیاسی. در مقابل، تصور مردها از خود نمایانگر موجودی کاملاً متفاوت است که صفات برجسته‌اش عبارتند از: قدرت تفکر، اعتماد به خود، بذل توجه به زندگی سیاسی، زندگی شغلی و در درجه‌ای ضعیف‌تر به زندگی خانوادگی. به عبارت دیگر، در حالیکه زن موجودیست عاطفی، وابسته به گذشته و فداکار که فضای مهم زندگی را

۱- نیک چهره محسنی - «تصویر مقایسه‌ای خود» مجله تازه‌های روانپزشکی، شماره ۴ اردیبهشت ۱۳۵۰ - ص ۱۹۵ - ۱۸۳ - تهران.

۲- لازم به تذکر است که نتایج این تحقیق به علت محدود بودن نمونه، قابلیت زیاد برای تعمیم ندارد. تحقیق به وسیله پرسش‌نامه‌ای شامل سی و دو سؤال که هر يك حاوی يك صفت یا يك الگوی رفتاری است روی چهارصد بزرگسال، نیم زن و نیم مرد که تحصیلات آنها لیسانس و یا بالاتر بوده و هشتصد دانش‌آموز، نیم دختر و نیم پسر، در دو گروه سنی دوازده سیزده و شانزده - هفده سال انجام یافته است.

چهاردیواری خانواده تشکیل می‌دهند، مرد انسانی است متفکر، متکی به خود که محور مسائل مورد توجهش اجتماع شغلی و سیاسی است. جالب آنکه همین تفاوت سنتی در مورد زن و مرد درباره دختر و پسر نیز مصداق دارد و نوجوانان دختر تصویری از خود دارند که ظاهراً مغایر وضع آنها در اجتماع امروز است. صفاتی چون اهمیت زیاد دادن به عشق و زیبایی ظاهر و همچنین به تصویری که دیگران درباره شخص دارند، علاقه کم به زندگی سیاسی، به بی‌عدالتی‌های اجتماعی و به زندگی شغلی شاخص دختر نوجوانند در حالیکه پسران همین سن از طریق صفاتی چون هوشمندی، طالب دوستی دیگران بودن، بسوز عکس‌العمل در برابر بی‌عدالتی‌های اجتماعی، طالب آزادی و استقلال بودن توصیف میشوند. با توجه به همبستگی‌هایی که در تحقیق مذکور (۳) میان تصور هر گروه نسبت به خود و تصور گروه‌های دیگر نسبت به او دیده شد، اینطور استنباط شد که بطور کلی فرهنگ و سنت‌ها در تقویت اینگونه تصورهای ذهنی تأثیر زیاد دارند به نحویکه تغییر دادن آنها نیز جز از طریق آموزش در معنای وسیع کلمه و در بعد زمان امکان ندارد. منتها آموزش در معنای وسیع شامل هم آموزش رسمی و آموزشگاهی و هم کلیه‌ی یادگیری‌های مختلف و غیر مستقیم اجتماعی است که در ابعاد تداوم و تقارن زمان وقوع می‌یابند. در این گزارش توجه ما خاصه معطوف به نظام آموزش رسمی است. زیرا اگر مانند زوسلین (۴) قبول داشته باشیم که جامعه از طریق مفاهیمی چون ارضیه‌ی ملی، آداب و سنن، مداومت و ثبات تعریف میشود، نظام آموزش رسمی، در مفهوم مامل انتقال شناخت یا آگاهی و ارزشهای فرهنگی به نسل جوان، به ثبات بقای جامعه کمک می‌کند و پاسداری گذشته فرهنگی را برعهده دارد. از آن گذشته به همان علت که دوام و بقای یک جامعه را تضمین می‌کند، میتوان نتیجه

۳ - همبستگی میان تصویر زن از خود با تصویری که مرد از او دارد ۷۹٪ و بیان تصویر مرد از خود با تصویری که زن امروز دارد ۹۲٪ است. در مورد دخترها و سرها نیز این همبستگی‌ها به ترتیب ۸۳٪ و ۶۶٪ می‌باشند.

4 - Jousellin, J, Lcs Révoltes des Jeunes. Ed. Ouvrière, Paris, 1968
PP 207 - 208.

گرفت که نظام آموزش رسمی منعکس کننده‌ی تصویر کلی يك فرهنگ است و هم خصوصیات منش فرد متوسطی را که با آن فرهنگ خو گرفته و در آن احساس رضایت و آرامش دارد و هم ارزشهای حاکم بر رفتار انسانها را در آن جامعه توصیف می‌کند. از این دید کتب درسی از نقطه نظر تصویری که از انسان ترسیم می‌کنند و از نقطه نظر ارزشهای حاکم بر رفتار انسانها قابل مطالعه می‌باشند. در يك بررسی قبلی (۵) روی کتب درسی دوره ابتدایی، بطور ضمنی چنین استنباط شد که تصویر زن سایه یا انعکاسی است از تصویر مادر با خصوصیات برجسته عاطفی، که فضای فعالیت و ابراز وجودش از چهارچوب خانواده فراتر نمی‌رود. بنا به آنچه آمد، فرض بر این است که کتب درسی نظام آموزش رسمی ما یکی از عواملی است که به ابقاء و ثبات تصویری سنتی از زن کمک می‌کند. محتوای این کتب بیش از آنکه بتواند کوششی به منظور دادن جهت به تغییرات اجتماعی ناشی از برخورد عوامل مختلف محیطی و فرهنگی باشد، به سنت‌ها وابستگی دارد. به عبارت دیگر، در حالیکه يك نظام آموزشی زنده باید بتواند گذشته‌ها و سنت‌ها را با تغییرات ناشی از تحول تمدن - یعنی امری که بنظر ژوسلین جامعه و تمدن یا عبارتی دیگر انسانهای مظهر آنها یعنی نسل جوان و نسل بزرگسال یا پیر را باهم آشتی میدهد - (۶) به نحو متعادلی درهم آمیزد و آشتی دهد، برای آنچه که مربوط به مقام اجتماعی زن میشود، نظام آموزشی ما توجه کافی به تحولات اخیر، جهت دادن به آنها و مخصوصاً توجه به آماده کردن زمینه به منظور ایجاد طرز تفکرهای جدید - البته در اینجا منظور ما طرز تفکر نسبت به زن است - ندارد. سیمائی که از زن در کتب درسی ترسیم میشود با تحولات کنونی در مقام اجتماعی او و به ویژه مسیر این تحولات در آینده تطابق و هماهنگی کافی نشان نمیدهد.

هدف تحقیق حاضر بررسی فرضیه مذکور در فوق از خلال محتوای

کتب درسی دوره ابتدایی است.

۵ - نیک چهره محسنی « بررسی محتوی کتب درسی دوره ابتدایی ». مجله دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران. دوره چهارم - شماره سوم و چهارم بهار و تابستان ۱۳۵۴. ص ۵۰ - ۱۸ تهران.

۶ - ژوسلین، کتاب مذکور ص ۲۰۸ - ۲۰۷.

روش بررسی

۱ - کتب مورد مطالعه و انتخاب واحدها :

کلیه کتب دوره ابتدائی (رویه‌رفته ۲۴ جلد به حسب جدول شماره يك) مورد بررسی قرار گرفته‌اند - هر يك از موضوعات مختلف به واحدهای عنوان (کتب فارسی ، کتب تعلیمات اجتماعی و غیره) تقسیم و هر واحد عنوان نیز به حسب سال به منزله يك واحد بررسی (فارسی سال اول ، فارسی سال دوم و غیره ...) در نظر گرفته شده‌است . محتوای هر واحد بررسی نیز به واحدهای کوچکتر ، یعنی واحدهای متن (کوچکترین جزء مورد مطالعه در يك واحد بررسی) تفکیک یافته است . در اکثر کتابها براساس تقسیم‌بندی داخلی خود محتوی ، يك درس کامل به عنوان يك واحد متن گزیده شده جز در موارد فارسی سال اول و کتب ریاضی - در موارد اخیر ، برای تعیین حدود و حجم واحد متن از جامعیت و کفایت معنای گفتارها استفاده شده است . مثلاً در مسائل ریاضی تعیین و شمارش نقش‌ها نه فقط بر ذکر اسامی بلکه بر جامعیت و کفایت آن مقدار از متن که توصیف نقش در آن صورت یافته ، قرار داشته است . جداول به حسب واحدهای بررسی و واحدهای عنوان تنظیم یافته‌اند .

جدول شماره ۱

ل تحصیلی وان کتابها	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم
سی	۱	۱	۱	۱	۱
اضیات	۱	۱	۱	۱	۱
وم	۱	۱	۱	۱	۱
یلمات دینی	—	—	۱	۱	۱
یلمات اجتماعی	—	—	۱	۱	۱
سر	—	—	—	۱	۱

۲ - انتخاب تکنیک بررسی

همانطور که در مقدمه آمد، فرضیه تحقیق بر این است که سیمای ترسیمی زن از خلال محتوای کتب درسی دوره ابتدائی با تحولات جدید جامعه ما هماهنگی کافی ندارد و به کودک تصویری صحیح از زن در دنیای امروز و به عبارت اولیتر، از زن دنیای فردا نمیدهد. برای بررسی فرضیه می باید با روشی صحیح و دقیق خصوصیات سیمای ترسیمی زن در کتب مورد نظر را تعیین و محاسبه کرد. برای این منظور تکنیک توصیفی تحلیل محتوا (۱) بکار برده شده است. ابتدا قسمتی از متون مطالعه شده و سپس بعد از تعیین کردن چهارچوبهای اولیه و ابعاد مختلف مربوط، کلیه کتب دوره ابتدائی مورد بررسی قرار گرفته اند.

۳ - نقش، نیمرخ، انتخاب ابعاد و تعیین نظام مقوله‌ها و مضامین. تفکیک نقش و نیمرخ

الف - تعیین و شمارش نقش‌ها: منظور ما از نقش موقعیت، مسؤلیت یا مقام و پایگاهی است که زن (یا مرد) در آن توصیف شده است، مانند نقش مادر، نقش همسر، ادیب و غیره.... برای اینکه نقشی ثبت شود چند امر، به عنوان شاهد، مورد نظر بوده اند:

یکی اینکه نقش لا اقل از طریق يك مضمون یا مقوله ارزشی توصیف شده باشد، دوم آنکه جنسیت نقش یا در متن کتاب و یا بوسیله تصویر صریحاً روشن باشد، و سوم آنکه در داخل يك واحد متن (یعنی اکثراً يك درس کامل) قرار گرفته باشد. منظور از شرط سوم که در حقیقت مربوط به واحد شمارش فراوانی‌ها است، این است که هر گاه در يك واحد متن همان نقش چندین بار (حتی در قالب افراد مختلف) تکرار شده، بیشتر از يك بار فراوانی برای آن نقش محاسبه نشده است. مثلاً وقتی در کتب تعلیمات اجتماعی (قسمت تاریخ) در يك متن از چهار سردار جنگی، دو وزیر و پنج پادشاه نام برده شده است،

1 - Maisonneuve, G, Techniques de Psychologie sociale, in bulletin de psychologie, tome XII ' I 959 p, 686 - 606 .

مجموعاً سه نقش (سردار جنگی ، وزیر ، پادشاه) کد خورده و مورد محاسبه قرار گرفته‌اند . یا اینکه مثلاً اگر در يك واحد متن سه نقش همسر و يك نقش کدبانو قید شده باشد ، جمعاً دو نقش (همسر و کدبانو) محاسبه شده‌اند . در مورد نقاشی‌ها و عکس‌ها نیز اگر مفهومی در متن کتبی القاء می‌شده‌است ، آن مفهوم به عنوان مضمون توصیف‌کننده نقش به ثبت رسیده و برای آن فراوانی حساب شده‌است . اما ، در صورتی که مضمون القاء کننده عکس‌ها مبتنی بر تعریف کلامی نبوده است ، آن نقش محاسبه نشده‌است .

فراوانی نقش‌های مذکور در کتب هنر کم است و علت آن ساخت واحدهای متن یعنی طول گفتارها است که در صورت مکرر شدن يك نقش ، لزوماً بیش از يك بار فراوانی برای آن محاسبه نشده‌است .

ب - نیمرخ و نظام مقوله‌ها و مضامین : منظور ما از نیمرخ ، مجموع مفاهیم و معانی ارزشی است که نقش را توصیف می‌کنند . به عبارت دیگر ، کلیه مضامین و مقوله‌های توصیف‌کننده نقش ، به حسب تجانس معنی آنها در ابعادی بزرگ یا ابعاد داخلی دیگر قرار گرفته‌اند . نیمرخ مجموعاً ، پنج بعد دارد که عبارتند از : ۱ - بعد تعقل و شناخت که شامل مضامینی چون هوش و هوشمندی ، یادگیری‌های مختلف ، اهمیت مطالعه و یادگیری ، استدلال کردن ، اندیشیدن ، چاره‌جویی ، دلیل‌پرسی و جستجوی علت ، نکته‌سنجی ، کسب علم ، کنجکاوی ، ابداع کردن وسیله و مضامینی از این قبیل است . ۲ - بعد خصوصیات مربوط به بیان شخصی که منظور از آن مفاهیم و ارزش‌هایی است که به نحوی با بیان فردی ارتباط می‌یابند مانند ستمگری ، پرخاشگری ، جنگ‌جویی ، انتقامت و پایداری ، دفاع از خود ، دفاع در برابر زور - احساس مسئولیت و غیره ... با توجه به نوع مضامینی که به این بعد ارتباط می‌یابند ، سه بعد داخلی برای آن در نظر گرفته شده‌است که یکی مربوط به پرخاشگری ، دیگری شامل بیان فردی و اثبات وجود و سومی مربوط به جنبه‌های ضعیف اثبات وجود است چون تردید داشتن ، عدم احساس مسئولیت احساس وابستگی و غیره ... ۳ - بعد خصوصیات عاطفی و اخلاقی که شامل مضامین اخلاقی ،

عاطفی فردی و هم‌چنین مضامین حاکم بر رفتار انسانها است مانند فداکاری ، دوست داشتن ، ابراز هیجان ، همکاری ، اطاعت کردن ، دستور دادن ، توجه به تساوی حقوق انسانها ، کمک کردن به دیگران ، کمک کردن به مستمندان ، فریب دادن ، دروغگوئی ، نیکوکاری و غیره ... ۴ - بعد مربوط به خصوصیات جسمانی که خود یا شامل صفات ظاهری است چون زیبایی ، درشت قامتی ، زشتی ، و یا شامل فعالیت‌های حرکتی مربوط به جسم چون چالاکی ، مهارت داشتن ، دانستن فنون و غیره ... ۵ - فعالیت‌های اجرائی : منظور از این بعد کلیه اقدامات یا فعالیت‌هایی است که جنبه اجرائی دارند و خود به چندین بعد داخلی دیگر تقسیم میشوند مانند خلاقیت علمی ، سازندگی ، آزمایش و تجربه کردن ، تعلیم و تربیت و انتقال فرهنگ ، راهنمایی و ارشاد ، کار و فعالیت در خانه ، فعالیت هنری و ادبی ، کار و فعالیت تولیدی و اقتصادی ، انجام اصلاحات کشوری و لشگری ، اداره کردن ، سازمان دادن لشگری و کشوری ، سرگرمی و تفریح ، اداره کردن و سرپرستی در خانه ، مسئولیت مالی خانه ... (لیست‌های شماره یک و دو نمونه‌ای از مضامین و مقوله‌های توصیف کننده نقش می‌باشند)

مضامین تشکیل دهنده نیمرخ نیز خود به حسب شواهد معنی دار و متجانسی تعیین شده‌اند و در تعیین آنها به حجم متن یعنی آن مقدار از متن که در آن یک شاهد کد خورده توجه شده است . حجم واحد متن به حسب جامعیت معنا تعیین شده و اکثر اوقات یک جمله یا یک پاراگراف بوده است . (بنابراین حجم واحد متن در مورد نقش و مقوله یکسان نیست و در مورد آخری یعنی مقوله بسیار کوچکتر است) . برای تعیین فراوانی مقوله نیز از واحد ثبت به عنوان واحد شمارش استفاده شد ، یعنی هر باریکی از شواهد معنادار مربوط به یک مقوله ملاحظه شده ، برای مقوله مربوط یک بار فراوانی محاسبه شده و تأکید روی یک مفهوم از طریق جمله به عنوان واحد ثبت مورد محاسبه قرار گرفته است ، بدین معنا که هر بار یک مقوله در دو جمله تکرار شده ، برای آن دوبار فراوانی حساب شده است . مضامین و مقوله‌های مربوط به نیمرخ‌های نقش‌های یک واحد بررسی نیمرخ ارزشی زن را در آن واحد بررسی و مجموع

واحدهای بررسی يك واحد عنوان ، نیمرخ ارزشی زن را در آن واحد عنوان نشان میدهند .

۴ - تعیین واحد سنجش و مقایسه :

چون در بررسی‌هائی از این قبیل وجود يك ضابطه مقایسه‌ای برای سنجش لازم است ، تصویر مرد به عنوان واحد سنجش مورد بررسی قرار گرفته و به ترتیبی که ذکرش آمد در مورد آن نیز عمل شده‌است .

نتایج

۱ - نتایج بررسی کمی : الف - بررسی نقش

جداول شماره ۲ و ۳ و ۴ به ترتیب توزیع فراوانی و درصد نسبی فضای اشغالی منتسب به زن و به مرد را در هر يك از واحدهای عنوان و در مجموع آنها نشان میدهد . جدول شماره ۵ مربوط به توزیع نقش‌های مختلف منسوب به زن و مرد در ابعاد خانواده و اجتماع است و درصد هر يك از آنها را به نسبت کل نقش‌های استخراج شده در مورد زن و مرد توأمآ ، نشان میدهد . جدول شماره ۶ توزیع تفکیکی نقش‌ها را ، برای زن و مرد هر يك در گروه خود و نسبت به مجموع نقش‌های استخراج شده در کلیه کتب ، بارز میسازد . جدول شماره ۷ و ۸ هر يك به ترتیب نمودار توزیع فراوانی نقش‌های مربوط به زن و مرد (باتوجه به تفکیک سنی یعنی با منها کردن دختر و پسر) در کلیه کتب می‌باشند .

از مطالعه جداول مذکور مسائل متعددی استنباط میشوند که بارزترین آنها مربوط است به : ۱ - خصوصیات تصویر زن از خلال نقش‌هایی که در کتب ابتدائی به او نسبت داده‌اند . ۲ - مقایسه زن و مرد از خلال نقش‌های انتسابی ، هر دو مسئله به ترتیب از نزدیک مورد بررسی قرار داده میشوند .

۱ - خصوصیات تصویر زن : از بررسی جدول شماره ۲ چنین برمی‌آید

که اولاً واحدهای عنوان یعنی کتب مختلف از جهت فراوانی و توزیع نقش‌ها از یکدیگر متفاوتند و کتب فارسی، پر نقش‌ترین و هنر، کم نقش‌ترین آنها می‌باشند. بعد از فارسی به ترتیب ریاضیات، تعلیمات دینی، تعلیمات اجتماعی و علوم قرار می‌گیرند. در مورد فراوانی کم نقش‌های ذکر شده در کتب هنر و فراوانی زیاد آنها در کتب ریاضی باید به حجم واحدهای متن توجه داشت. به عبارت دیگر حجم واحدهای متن در این دو واحد عنوان متفاوت بوده است و مسائل کوتاه ریاضی با گفتارهای نسبتاً طولانی در کتب هنر، تفاوت زیاد داشته‌اند و همین امر از جهت شمارش فراوانی نقش‌ها بی‌تأثیر نبوده است. در ثانی، توزیع فراوانی نقش‌های مختلف در همین جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که ترکیب داخلی و تنوع نقش‌ها نیز به حسب کتب متفاوت می‌باشند. نقش‌های یاد شده در کتب فارسی متنوع‌تر می‌باشند و فراوان‌ترین آنها عبارتند از دختر (منظور دختر دانش‌آموز، کودک خانواده و یا خواهر است که وجه مشترك آنها سن یعنی کودک بودن می‌باشد) مادر، زن (بدون تفکیک صریح نقش) همسر، کدبانو، و با فراوانی بسیار کمتر، ملکه، وزیر و نقش‌های آموزشی. تنوع نقش‌های مذکور در کتب تعلیمات دینی، به نسبت کتب فارسی کمتر است و مادر و دختر بزرگترین فراوانی‌ها را دارند. در کتب تعلیمات اجتماعی تنوع نقش‌ها نسبتاً زیاد ولی فراوانی آنها بسیار کم است. در ریاضیات و علوم، نقش‌ها تقریباً محدود به دختر و مادر می‌باشند که اکثراً دختر در نقش دانش‌آموز آمده است.

جدول شماره ۶ توزیع و درصد نقش‌ها را، در کلیه واحدهای عنوان رویه‌مرفته، به حسب ابعاد خانواده و اجتماع نشان می‌دهد. از جدول مذکور چنین استنباط میشود که نقش‌های ذکر شده در بعد خانواده (منظور مادر، همسر و کدبانو است) در صدی معادل ۳۱ دارند در حالیکه نقش‌های ذکر شده در بعد اجتماع (ملکه، وزیر، مسئولین آموزشی یا کارگری) فقط ۳/۲۸ درصد حجم کلی نقش‌ها را اشغال می‌کنند. البته دختر و زن بدون تفکیک صریح نقش درصد بالائی دارند و این امر نشان می‌دهد که تصویر دختر

در کتب دوره ابتدائی جای زیادی را اشغال می کند .

جدول شماره ۷ توزیع درصد نقش ها را با توجه به تفکیک سنی ، یعنی منهای دختر و فقط از نظر نقش های منتسب به زن بزرگسال نشان میدهد . بطوریکه از این جدول برمی آید زن در بعد خانواده (مادر ، همسر ، کدبانو) بزرگترین (۶۶/۶۷) و در بعد اجتماع کوچکترین (۷) درصد را اشغال می کند . مقایسه این دو درصد ناچیز بودن بعد اجتماع را نسبت به بعد خانواده نشان میدهد . جالب آنکه در بعد خانواده مادر به نسبت همسر (این امر در مورد نقش های مرد نیز در این تحقیق ملاحظه شده است) فراوانی بسیار سنگین تری دارد ، چنانکه گوئی در فرهنگ ما ، خانواده متشکل از مادر ، پدر و کودکان است و نقش همسر ، بدون مادر بودن ، جای زیادی در خانواده ندارد . بنا بر آنچه آمد ، توزیع فراوانی نقش ها و همچنین درصد آنها نشان میدهد که در کتب درسی دوره ی ابتدائی زن نه از طریق نقش ها و فعالیت های اجتماعی ، بلکه از طریق مادر بودن و صرف وقت در چهارچوب خانواده توصیف میشود . این امر از طریق مقایسه نقش های زن و مرد وضوح بیشتر می یابد .

۲ - مقایسه زن و مرد از خلال نقش های انتسابی : جدول شماره ۳

فراوانی و توزیع نقش های منسوب به مرد را در واحدهای عنوان و در مجموع آنها نشان میدهد . به حسب این جدول ، فراوانی مجموع نقش های هر واحد عنوان ، به ترتیب از بیشترین به کمترین ، عبارت است از کتب فارسی ، تعلیمات دینی ، ریاضیات ، تعلیمات اجتماعی ، علوم و هنر که از این جهت تفاوتی با نتایج مربوط به زن دیده نمیشود و ظاهراً باید ناشی از خصوصیات کتب مورد بررسی باشد (البته باید توجه به تأثیر تکنیک بررسی یعنی حجم واحد متن در کتب ریاضی و هنر که قبلاً نیز به آن اشاره شد داشت) . توزیع فراوانی نقش ها ، در واحد عنوان ، نیز نشان میدهد که کتب فارسی پر تنوع ترین و کتب هنر کم تنوع ترین کتب می باشند . در کتب فارسی فراوان ترین نقش ها به ترتیب مربوط به رهبریهای کشوری و لشگری ، پسر ، پدر ، مرد (بدون تفکیک صریح نقش) نقش های ردیف ۱ (دانشمند ، مخترع ، مکتشف ، فیلسوف) و نقش های ردیف ۳

(کارگر، پیشه‌ور...) می‌باشد. در کتب تعلیمات دینی تنوع نقش‌ها نسبت به کتب فارسی کمتر است. فراوان‌ترین نقش‌ها در این کتب مربوط به رهبر دینی (پیغمبر، امام، پیشوای مذهبی) و سپس با تفاوتی زیاد، پسر، پدر، مرد (بدون تفکیک صریح نقش) می‌باشد. در کتب تعلیمات اجتماعی فراوانی بارز مربوط به رهبریهای کشوری و لشگری است و این نقش به‌وجه محسوسی، سایر نقش‌ها را تحت‌الشعاع قرار داده‌است. در کتب علوم و ریاضیات، فراوانی نقش‌ها تقریباً محدود به پسر و در درجه‌ای بسیار ضعیف‌تر به پدر می‌باشند. به حسب جدول شماره ۶ که توزیع فراوانی و درصد تفکیکی نقش‌های مربوط به زن و به مرد را در کلیه کتابها نشان می‌دهد، نقش‌های مرد در بعد خانواده (پدر - همسر - و نسبت‌های تباری) $16/11$ درصد و در بعد اجتماع (نقش‌های ردیف ۱ تا ۳، رهبری کشوری و لشگری و رهبری دینی) $46/85$ درصد مجموع نقش‌های منسوب به او را اشغال می‌کنند. به حسب جدول شماره ۸ که توزیع فراوانی نقش‌ها را در همان کتب اما با توجه به تفکیک سنی، یعنی منهای پسر (در نقش دانش‌آموز، کودک خانواده و برادر) نشان می‌دهد، برای مرد بزرگسال، بعد خانواده $22/47$ درصد و بعد اجتماع $65/39$ درصد مجموع نقش‌های استخراجی را اشغال می‌کنند.

مقایسه جداول ۲ با ۳ و مخصوصاً ۶ با ۷ نشان می‌دهد که در کتب درسی مورد بررسی زن و مرد از جهت بعد اجتماع تفاوت زیادی از نظر هم‌کمی و هم‌کیفی دارند. از نظر کمی در حالیکه مرد به نسبت مجموع نقش‌هایی که در مورد او محاسبه شده‌اند، با در صدی معادل ۶۵ در بعد اجتماع قرار می‌گیرد، این نسبت برای زن به ۷ درصد میرسد، از جهت کیفی نیز نقش‌های زن بسیار کم تنوع می‌باشند و از نقطه نظر ادبی، هنری و رهبری (جز چند مورد نادر) از نقش او سخنی به میان نیامده‌است. اما تفاوتی که در نقش‌ها از نظر بعد اجتماعی دیده میشود، در ترکیب داخلی نقش‌های مربوط به بعد خانواده به چشم نمی‌خورد و نقش پدر - همانطور که قبلاً در مورد زن نیز گفته شد - قابل مقایسه از نظر فراوانی با نقش او به عنوان همسر نمی‌باشد و فراوانی

نقش پدر خیلی بیشتر از فراوانی نقش همسر است. ولی در مورد مرد، معرفی از طریق نسبت‌های تباری تقریباً زیاد دیده میشود، در حالیکه این امر در مورد زن وجود ندارد. مقایسه درصد نقش‌های مربوط به بعد خانواده (مخصوصاً وقتی نسبت‌ها، با توجه به تفکیک سنی و در داخل هر گروه جنسی به نسبت سایر نقش‌ها محاسبه میشود) نشان میدهد که در این مورد زن از مرد جلوتر است (۶۶/۶۷ درصد برای زن و ۲۲/۴۷ درصد برای مرد). بنابراین، بطور کلی با مقایسه درصدهای مختلف، چنین بنظر میرسد که به‌حسب کتب درسی دوره‌ی ابتدایی، فضای پراهمیت زندگی، برای مرد فضای اجتماع و برای زن فضای خانواده است.

جدول شماره ۴ و ۵ نتایج مذکور در فوق را به نحو دیگری تأیید می‌کنند. درصدها، در این دو جدول، به‌حسب مجموع نقش‌های منتسب به زن و به مرد، توأمأ، حساب شده‌اند. جدول شماره ۴ نشان میدهد که در حجم اشغالی نقش‌های منتسب به دو جنس يك عدم تعادل بارز (۶۳/۰۵ درصد برای مرد و ۳۶/۹۵ درصد برای زن) وجود دارد و حجم نقش‌های منتسب به مرد تقریباً دو برابر حجم نقش‌های منتسب به زن است. همین مقایسه کمی، خود، مردانه بودن فضای کتب درسی را نشان میدهد. ولی درصد حجم نقش‌های منتسب به دو جنس، در همین جدول شماره ۴، نشان میدهد که واحدهای عنوان از این جهت با یکدیگر تفاوت دارند. کتب تعلیمات اجتماعی و تعلیمات دینی (به ترتیب ۷۹/۸۲ درصد برای مرد و ۲۰/۱۸ درصد برای زن و ۷۳/۰۸ درصد برای مرد و ۲۶/۹۲ درصد برای زن) بزرگترین تفاوتها و ریاضیات و علوم کوچکترین آنها را نشان میدهند. در کتب هنر، وضع معکوس است و زنها حجمی بیش از مردان دارند. مطالعه جدول شماره ۵ که مربوط به محاسبه نقش‌ها در ابعاد خانواده، اجتماع و هم‌چنین سایر نقش‌ها به‌حسب کل نقش‌های استخراج شده است نشان میدهد که وقتی درصد نقش‌های مختلف مربوط به زن و به مرد، به نسبت کل نقش‌های آنها توأم، محاسبه میشود، از نظر نقش‌های مربوط به بعد خانواده، دختر یا پسر و بدون تفکیک صریح نقش، تفاوت

بارزی میان دو جنس به چشم نمیخورد. برعکس تفاوت زیاد مربوط به بعد اجتماع میشود که مرد را با ۲۹/۵۴ درصد در برابر زن با ۱/۲۲ درصد قرار میدهد. این امر نشان میدهد که اگر زنها به نسبت سایر نقش‌های مربوط به گروه خود در بعد خانواده اهمیت زیاد می‌یابند چون تنوع نقش‌ها فوق‌العاده کم است. - وقتی در یک مجموع واحد با مردها مقایسه میشوند، در خانواده نیز برتری زیادی را نسبت به او حفظ نمی‌کنند. حال آنکه مرد، گرچه همچنان اهمیت خود را در بعد اجتماع نگاه میدارد، ولی از نظر خانواده نیز فراوانی نقش او قابل توجه است. به همین جهت بنظر میرسد که در مجموع ترکیب داخلی توزیع فراوانی نقش‌های مربوط به مرد بسیار متعادل‌تر از ترکیب داخلی نقش‌های مربوط به زن است و پایگاه او هم در خانواده و هم در اجتماع است، در حالیکه زن در اجتماع نقش قابل ملاحظه‌ای ندارد.

بطور خلاصه بررسی و مقایسه نقش‌های منسوب به زن و به مرد نشان میدهد که کتب درسی از این جهت به سنت‌های دیرین وابستگی زیاد دارند و منعکس کننده تصورهای ذهنی گذشتگان نسبت به زن و به مرد می‌باشند. همچنین و به موازات این ملاحظات، جنبه مردانه کتب درسی نیز آشکار و معلوم میشود که فضای متون مورد بررسی مردانه است و از زن، به عنوان یک ایفاء کننده نقش فعال و سازنده در اجتماع، به ندرت یاد میشود. بررسی مقوله‌ها و مضامین توصیف کننده نقش‌ها، به شکل دیگری، نتایج مربوط به نقش را تأیید می‌کند و همین مطلب است که اکنون به ذکر آن پرداخته میشود.

ب - بررسی نیمرخ

۱ - نتایج در مورد زن: همانطور که در شرح روش آمد، منظور از

نیمرخ منظومه مقوله‌ها و مضامین توصیف کننده نقش و ترکیب آنها، به حسب تجانس معنا یا یک وجه مشترك، در ابعاد مختلف است. پس هر نقش دارای نیمرخ است و مجموع نیمرخ‌های مربوط به کل نقش‌های مذکور در واحدهای

بررسی يك واحد عنوان ، نیمرخ کلی آن واحد عنوان را تشکیل می‌دهند .
نیمرخ شماره يك (صفحه ۸۴) مربوط به زن بزرگسال و دختر ، و جدول شماره ۹ نمودار خصوصیات تصویر زن (زن بزرگسال و دختر رویهمرفته) و درصد نسبی ابعاد پنجگانه نیمرخ است . آنطور که از جدول شماره ۹ استنباط میشود ، ابعاد فعالیت‌های اجرائی و خصوصیات مربوط به جسم به ترتیب غنی‌ترین و ضعیف‌ترین ابعاد می‌باشند و خصوصیات اخلاقی و عاطفی در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرند ، تعقل و شناخت و خصوصیات مربوط به بیان شخصی تقریباً در يك حد و در درجه سوم می‌باشند .

جدول شماره ۱۰ ، تصویر زن را با توجه به تفکیک سنی ، یعنی زن بزرگسال و دختر نشان می‌دهد . به حسب جدول مذکور ، نسبت داخلی درصد ابعاد نیمرخ برای زن و دختر جزئی تفاوتی نشان می‌دهند . ترتیب نسبی اهمیت ابعاد در مورد زن به ترتیب عبارت از فعالیت‌های اجرائی با $۳۷/۲۳$ درصد ، خصوصیات اخلاقی و عاطفی با $۲۵/۱۷$ درصد ، خصوصیات مربوط به بیان شخصی با $۲۳/۷۵$ درصد ، خصوصیات مربوط به جسم با $۷/۴۴$ درصد و بالاخره تعقل و شناخت با $۶/۳۸$ درصد است ، در حالیکه برای دختر ، فعالیت‌های اجرائی با $۳۱/۸۶$ درصد ، تعقل و شناخت با $۲۳/۰۳$ درصد ، خصوصیات اخلاقی و عاطفی با $۲۲/۵۴$ درصد ، خصوصیات مربوط به جسم با $۱۲/۰۹$ درصد و بالاخره خصوصیات مربوط به بیان شخصی با $۶/۳۸$ درصد ، به ترتیب نقصان اهمیت قرار می‌گیرند . چنانکه گویی صرفنظر از فعالیت‌های اجرائی که بارز هر دو گروه سنی است ، و خصوصیات اخلاقی و عاطفی که در هر دو گروه تقریباً یکسان است ، زن و دختر از جهت اهمیت نسبی تعقل و شناخت و خصوصیات مربوط به بیان شخصی از هم تفاوت می‌یابند ، در مورد دختر فعالیت‌های تعقلی و شناختی و در مورد زن خصوصیات مربوط به بیان شخصی مهم‌تر می‌نمایند . مطالعه کیفی ، یعنی بررسی ترکیب داخلی مقوله‌های تشکیل دهنده ابعاد (یادآوری میشود که مقوله‌های تشکیل دهنده ابعاد در لیست‌های شماره ۱ و ۲ داده شده‌اند) همین نتایج را با جزئیات بیشتر نشان می‌دهد .

به حسب نیمرخ شماره ۱ که مکمل جدول شماره ۱۰ است و نیمرخ و ابعاد تشکیل دهنده آنرا در مورد زن بزرگسال و دختر نشان میدهد، فراوانی نسبی مقوله‌ها و مضامین متفاوت می‌نماید. مضامین مربوط به بعد فعالیت‌های اجرایی که مهم‌ترین بعد (از نظر فراوانی) در مورد هر دو گروه است، یکسان نیستند، تعلیم و تربیت و راهنمایی کار و فعالیت در خانه (شستشوی ظروف، طبخ، نظافت و غیره...) (قبل مسئولیت، پرستاری و مراقبت و بالاخره کار و فعالیت‌های تولیدی است که در مورد زن بزرگسال، به ترتیب اهمیت فراوانی ملاحظه میشوند، در حالیکه برای دختر، خلاقیت علمی (آزمایش و تجربه کردن) است که در درجه اول اهمیت قرار می‌گیرد و بعد از آن به ترتیب فعالیت‌هایی چون کار در منزل، سرگرمی و تفنن و فعالیت هنری دیده میشوند. در بعد شناخت و تعقل که تفاوت زیادی را میان دختر و زن بزرگسال نشان میدهد، معانی و ارزشهایی چون کنجکاوی، دقت، یادگیری و سؤال کردن تقریباً خاص دختر آمده است در حالیکه در مورد ارزشهایی چون وقوف و آگاهی که در حقیقت محصول مکانیسم شناختی و مربوط به همان بعد است میان آنها تفاوتی وجود ندارد. در بعد خصوصیات مربوط به بیان شخصی نیز تفاوت میان دو گروه خیلی زیاد است. صفاتی چون اظهار نظر، پایداری، تصمیم‌گیری، عزم و اراده از مختصات زن آمده است، در حالیکه در مورد جنبه‌های ضعیف ابراز وجود یعنی اتکاء، تسلیم، عجز و ناتوانی دختر و زن بزرگسال فراوانی یکسان کسب می‌کنند.

خلاصه آنکه براساس بررسی جداول ۹ و ۱۰ و نیمرخ شماره یک زن موجودیست که مخصوصاً از طریق فعالیت‌های اجرایی چون تعلیم و تربیت و انجام امور منزل توصیف میشود، از حیث عواطف اخلاقی و انسانی و بیان شخصی نسبتاً قوی است ولی در مورد تعقل و شناخت و همچنین آن قبیل فعالیت‌های اجرایی که مربوط به عمران و آبادانی، تأسیس و بنیان‌گذاری، فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی، خلاقیت علمی و هنری است، بسیار ضعیف می‌باشد. با این ترتیب نتایج بدست آمده در بررسی نقش، در اینجا نیز

تأیید میشود.

بررسی نیمرخ زن در سطح واحدهای عنوان (جدول شماره ۱۱) تفاوت‌هایی را به حسب کتب در ترکیب داخلی ابعاد نشان میدهد. در کتب فارسی، پر حجم‌ترین بعد نیمرخ زن مربوط به خصوصیات عاطفی و اخلاقی است که بیش از ۳۳ درصد مقوله‌ها را در خود جای میدهد و بعد از آن به ترتیب خصوصیات مربوط به بیان شخصی با ۲۲/۶۶ درصد و فعالیت‌های اجرائی با ۲۰/۵ درصد قرار می‌گیرند. تعقل و شناخت با ۱۵/۸۲ درصد و خصوصیات مربوط به جسم با ۷/۳۷ درصد به ترتیب درجات چهارم و پنجم را اشغال می‌کنند. بنابراین به حسب کتب فارسی، زن مخصوصاً موجودیست که از خلال ارزش‌های اخلاقی و عاطفی تعریف میشود، و این امر به نحو دیگری تأیید کننده‌ی نتایج قبلی ما (۱) در مورد اهمیت زیادی است که کتب مزبور به جنبه‌های عاطفی و اخلاقی و اهمیت نسبی کمتریست که همین کتب به مسائل تعقلی و شناختی میدهند. کتب تعلیمات دینی، نیز بطور کلی شبیه کتب فارسی می‌باشند، تأکید زیاد روی عواطف دارند و به شناخت توجه نشان نمیدهند. در کتب تعلیمات اجتماعی، فعالیت‌های اجرائی و خصوصیات مربوط به بیان شخصی تقریباً کلیه فضای ابعاد (به ترتیب ۵۴/۰۲ درصد و ۳۳/۳۳ درصد) را شامل میشوند. بررسی کیفی نیمرخ زن در این کتب نشان میدهد که مقوله‌های مربوط به اجرا عبارتند از کار و فعالیت در خانه، کار و فعالیت تولیدی و اقتصادی، کار و فعالیت اجتماعی (البته با در نظر گرفتن این مطلب که فراوانی‌ها بطور کلی ناچیز می‌باشند و جدول شماره ۱۱ گویای آنست)، تعلیم و تربیت و انتقال فرهنگ. مقوله‌های تشکیل دهنده بعد بیان فردی نیز بیشتر به اثبات وجود و بیان خود ارتباط می‌یابند. در کتب ریاضی، بعد تعقل و شناخت قویترین ابعاد است و جز فعالیت‌های اجرائی، بقیه حجم قابل توجهی ندارند به نحویکه خصوصیت بارز نیمرخ، جنبه تعقلی آن است. خصوصیت برجسته نیمرخ در کتب علوم، بعد

۱ - نیکچهره محسنی - بررسی تحلیلی محتوای کتب درسی. مأخذ یاد شده.

اجرائی است که بیش از ۷۱ درصد مقوله‌های محاسبه شده را شامل می‌شود ، بعد از آن خصوصیات مربوط به جسم و بالاخره با درجه‌ای بسیار ضعیف‌تر تعقل و شناخت و خصوصیات عاطفی و اخلاقی قرار می‌گیرند . جنبه ضعیف بعد تعقل و شناخت در کتب علوم که از طریق بررسی نیمرخ مرد نیز تأیید می‌شود ، ظاهراً ، برخلاف نتیجه تحقیق قبلی (۲) در مورد کتب درسی دوره ابتدائی است که در آن کتب علوم از لحاظ توجه به شناخت قویترین کتب شناخته شده بودند . علت این تضاد ظاهری مربوط به انتخاب ابعاد است که فقط در مورد کتب مزبور مصداق یافته است به این معناکه بررسی کیفی بعد فعالیت های اجرائی در مورد همین کتب نشان می‌دهد که تجربه و آزمایش کردن تقریباً فقط در مورد پسر و دختر و از خلال آزمایش‌هایی که آنها (از طریق تصویر و توصیف کلامی) انجام می‌دهند ذکر شده و طبعاً همین موضوع باعث ازدیاد فراوانی مقولات بعد مزبور شده است . در حالیکه ، بطور کلی ، آزمایش و تجربه کردن جزء فعالیت های شناختی است و در این تحقیق با توجه به جنبه اجرائی آن در فصل فعالیت علمی و در داخل بعد فعالیت های اجرائی به حساب آمده است .

۲ - نتایج در مورد مرد : جدول شماره ۹ خصوصیات نیمرخ مرد

(بزرگسال و خردسال رویهمرفته) و درصد ابعاد مختلف آنرا نشان می‌دهد . به حسب این جدول ، خصوصیات عاطفی و اخلاقی با ۳۲/۵۱ درصد مهم‌ترین بعد می‌باشند و بعد از آن به ترتیب فعالیت های اجرائی با ۲۵/۳۲ درصد و خصوصیات مربوط به بیان شخصی با ۲۰/۷۳ درصد ، تعقل و شناخت با ۱۴/۳۷ درصد و بالاخره خصوصیات مربوط به جسم با ۷/۰۴ درصد قرار می‌گیرند . جدول شماره ۱۲ خصوصیات نیمرخ را به حسب واحدهای عنوان نشان می‌دهد . در کتب فارسی خصوصیات اخلاقی و عاطفی با ۴۵/۷۷ درصد بعد بارز نیمرخ را تشکیل می‌دهند . و بعد از آن به ترتیب تعقل و شناخت با ۲۱/۳۳ درصد ، خصوصیات مربوط به بیان شخصی با ۱۴/۱۳ درصد و فعالیت های اجرائی با ۱۱/۳۷ درصد و بالاخره خصوصیات مربوط به جسم با ۷/۳۷

۲ - نیکچهره محسنی - تحقیق یاد شده .

درصد کل مقوله‌ها قرار می‌گیرند. در کتب تعلیمات دینی، صفت بارز نیمرخ، چون کتب فارسی، خصوصیات مربوط به عواطف و اخلاق است ولی بعد از آن فعالیت‌های اجرایی با ۳۶/۳۰ درصد در درجه دوم قرار می‌گیرند و سایر ابعاد جز بعد شناخت که ۴۱/۱۱ درصد مقوله‌ها را شامل می‌شود، اهمیت چندانی ندارند. جنبه تقریباً دو یا سه بعدی نیمرخ در کتب مزبور تحت تأثیر فراوانی نقش رهبر دینی است که مخصوصاً از طریق صفات و عواطف نیکو، چون پرهیزکاری، نعدوستی، تقوی، تعلقات مذهبی... و از طریق فعالیت‌های اجرایی چون راهنمایی و ارشاد، گسترش پایه‌های دینی و ترویج اسلام، تسهیل فعالیت‌های اجتماعی توصیف می‌شود. در کتب ریاضی، بعد تعقل و شناخت بزرگترین درصدها را (۲۶/۵۷ درصد) شامل می‌شود و سایر ابعاد جز فعالیت‌های اجرایی با درصدی معادل ۱۷، اهمیت زیادی ندارند. در کتب علوم نیز، بعد اجرا صفت بارز نیمرخ را تشکیل می‌دهد.

جدول شماره ۱۰ نیمرخ مرد بزرگسال و پسر را بطور تفکیکی نشان می‌دهد. به حسب این جدول، بعد بارز نیمرخ پسر بعد فعالیت‌های اجرایی با ۹۱/۳۰ و بعد از آن تعقل و شناخت با ۷۴/۲۸ درصد و سپس خصوصیات عاطفی با ۶۳/۲۱ درصد و در آخر خصوصیات مربوط به جسم با ۴۳/۱۱ درصد و مربوط به بیان شخصی با ۲۶/۷ درصد کلیه مقوله‌ها و مضامین است، بنابراین پسر بیشتر از طریق فعالیت‌های اجرایی (با توجه به توضیحی که در مورد آزمایش و تجربه کردن در کتب علوم قبلاً داده شد) و تعقل و شناخت توصیف می‌شود و ضمناً خصوصیات اخلاقی و عاطفی او نیز در خور توجه‌اند. در حالیکه مرد بزرگسال در درجه اول از طریق خصوصیات عاطفی و اخلاقی با ۸۳/۳۵ درصد و سپس بیان شخصی با ۴۸/۲۴ درصد و فعالیت‌های اجرایی با ۶۲/۲۳ درصد کل مقوله‌ها تعریف می‌شود و بعد شناخت با ۹۹/۹ درصد و فعالیت‌ها معطوف به جسم با ۷۰/۵ درصد اهمیت نسبی ناچیزی دارند.

بررسی کیفی مقوله‌ها و مضامین تشکیل دهنده ابعاد (لیست شماره ۲) نشان می‌دهد که در مورد نیمرخ مرد، بطور کلی، مضامین فراوانی که محتوای

پر حجم بعد فعالیت‌های اجرایی را تشکیل می‌دهند ، عبارتند از راهنمایی و ارشاد ، تعلیم و تربیت ، فعالیت های مختلف (هنری ، ادبی ، علمی) فعالیت های اجتماعی و حرفه‌ای ، فعالیت های تولیدی و اقتصادی ، انجام مسئولیت های مادی خانواده ، انجام اصلاحات کشوری و اجتماعی . تظاهرات پرخاشگرانه چون جنگ طلبی ، تصرف کردن ، غنیمت به چنگ آوردن و غیره با فراوانی نسبی کمتر ، و مضامینی چون تلاش برای رسیدن به هدف و استقامت و پایداری ، دلاوری و شجاعت ، طغیان علیه زور ، احساس مسئولیت و غیره ... با فراوانی نسبی بیشتر و همچنین مفاهیم مربوط به جنبه های ضعیف ابراز وجود چون شکایت از روزگار ، ترسو بودن ، نا اطمینانی نسبت به خود و غیره . . . محتوای فراوان بعد خصوصیات مربوط به بیان فردی را تشکیل می‌دهند . مضامین مربوط به خصوصیات اخلاقی و عاطفی گستردگی زیاد دارند و فراوانی نسبی آنها بسیار متفاوت است . فراوان‌ترین مضامین عبارتند از علاقمندی به خانواده ، میهن پرستی ، تلاش و زحمت ، شهرت طلبی و نام آوری ، نوع دوستی و کمک به دیگران ، کمک کردن به مستمندان ، فرمان دادن ، اطاعت کردن ، ترحم کردن ، دوست داشتن ، سپاسگزاری ، پاداش دادن و غیره . . .

۳ - مقایسه نیمرخ زن با نیمرخ مرد : با توجه به اهمیت این مقایسه از

لحاظ توصیف و سنجش سیمای زن در متون مورد مطالعه ، از دو زاویه کمی و کیفی آنرا مورد بررسی قرار می‌دهیم :

مقایسه کمی نیمرخ زن و مرد :

در مقایسه کمی ابتدا نسبت حجم مقوله‌ها و مضامین مربوط به زن و مرد و سپس ترکیب داخلی درصد ابعاد مربوط به نیمرخ های آنها بررسی میشوند : در مورد اول ، جدول شماره ۱۳ که مربوط به محاسبه‌ی درصدهای نسبی هر یک از ابعاد پنجگانه‌ی نیمرخ هر دو جنس به حسب مجموع مقوله‌های استخراج شده در مورد آنها ، بطور توأم می‌باشد ، نشان می‌دهد (ستون آخر جدول مذکور) که مقوله‌ها و مضامین مربوط به زن و به مرد از حیث حجم و فضای

اشغالی تفاوت بارز دارند ، یعنی $۱۷/۷۰$ درصد کل حجم اشغالی مقوله های استخراجی مربوط به مرد است ، و زن بیش از $۸۱/۲۹$ درصد آنرا اشغال نمی کند . این امر با توجه به تفاوت مشابهی که در مورد حجم نسبی فضای اشغالی نقش های زن و مرد ملاحظه شد ، نمایانگر فضای مردانه کتب درسی مورد بررسی است . همین مقایسه در سطح واحدهای عنوان (جدول شماره ۱۳) نشان میدهد که میزان این بی تعادلی به حسب کتب مختلف تغییر می کند : کتب تعلیمات اجتماعی و پس از آن تعلیمات دینی با نسبت هایی چون $۲۳/۱۲ - ۷۶/۸۷$ و $۴۱/۱۷ - ۵۸/۸۲$ بارزترین بی تعادلی را دارند . تفاوت در کتب تعلیمات اجتماعی بیشتر ناشی از تفاوت در کمیت ابعاد مربوط به بیان شخصی ($۴۴/۶$: درصد مقوله ها برای مرد و $۰۶/۴$ درصد برای زن) ، خصوصیات اخلاقی و عاطفی ($۴۴/۱۷$ درصد مرد و $۲۶/۱$ درصد زن) و فعالیت های اجرایی ($۰۸/۲۲$ درصد برای مرد و $۶۱/۶$ درصد برای زن) است ، در حالیکه ابعاد و تعقل و شناخت و خصوصیات مربوط به جسم ، بطور کلی درصد بالائی ندارند و تفاوتی نیز نشان نمیدهند . در کتب تعلیمات دینی ، ابعادی که مخصوصاً میان زن و مرد تفاوت کمی (منظور میزان مطلق تفاوت یا تفاوت در اعداد مربوط است و نه جای نسبی که هر بعد به نسبت سایر ابعاد اشغال می کند) نشان میدهند ، عبارتند از فعالیت های اجرایی ($۰۷/۲۵$ برای مرد و $۸۳/۳$ برای زن) ، تعقل و شناخت ($۴۲/۹$ برای مرد و $۵۹/۱$ برای زن) و خصوصیات اخلاقی و عاطفی ($۳۳/۳۸$ برای مرد و $۰۲/۷$ برای زن) . همین تفاوت در سطح کتب فارسی به تعقل و شناخت ($۲۳/۵$ برای زن و $۲۷/۱۴$ برای مرد) و خصوصیات اخلاقی و عاطفی ($۱۳/۱۱$ برای زن و $۶۳/۳۰$ برای مرد) مربوط میشود . در کتب ریاضی نیز تفاوتها مربوط به تعقل و شناخت ($۲۴/۳۷$ برای مرد و $۹/۱۶$ برای زن) ، خصوصیات مربوط به جسم ($۴۴/۷$ برای مرد و $۱۴/۱$ برای زن) و بالاخره فعالیت های اجرایی ($۱۷/۱۱$ برای مرد و $۷۳/۷$ برای زن) است .

در مورد دوم یعنی ترکیب و نسبت داخلی ابعاد مربوط به هر نیمرخ

جنسی، مقایسه، تفاوت‌های بسیار کمتری را نشان می‌دهد. همانطور که در جدول شماره ۹ دیده می‌شود، ترکیب داخلی، یعنی ترکیب به نسبت اهمیت درصد ابعاد تشکیل دهنده نیمرخ‌ها نشان می‌دهد که در مورد زن فعالیت‌های اجرائی (۳۴/۴۳)، خصوصیات عاطفی و اخلاقی (۲۳/۸۰)، خصوصیات مربوط به بیان شخصی (۱۶/۸۳)، تعقل و شناخت (۱۵/۰۵) و بالاخره خصوصیات مربوط به جسم (۹/۸۶) به ترتیب نقصان اهمیت، نیمرخ‌ها را تشکیل می‌دهند. در نیمرخ مرد همین ترتیب به قرار زیر است: خصوصیات عاطفی و اخلاقی (۳۳/۵۱)، فعالیت‌های اجرائی (۲۵/۳۲)، خصوصیات مربوط به بیان شخصی (۲۰/۷۳)، تعقل و شناخت (۱۴/۳۷) و بالاخره خصوصیات مربوط به جسم (۷/۰۴). بنابراین فقط در مورد فعالیت‌های اجرائی و خصوصیات عاطفی و اخلاقی است که رتبه‌ها تفاوت می‌کنند، در حالیکه از جهت سایر ابعاد تفاوتی دیده نمی‌شود و خصوصیات نیمرخ برای هر دو جنس یکسان است. مثلاً در هر دو نیمرخ، خصوصیات جسمانی و تعقل و شناخت در درجات پنجم و چهارم قرار می‌گیرند. چنانکه گوئی، در فرهنگ کتب مورد بررسی، خصوصیات جسمانی و امور تعقلی و شناختی، نسبت به ارزش‌های عاطفی و اخلاقی و فعالیت‌های اجرائی اهمیت بسیار کمتری دارند. البته شاید این امر تا اندازه‌ای نیز مربوط به این اصل باشد که در کتب مزبور انسانها از طریق موقعیت‌ها یا از طریق رفتار و کردارشان توصیف میشوند.

وقتی همین مقایسه ترکیب داخلی ابعاد نیمرخ‌ها در سطح واحد‌های عنوان (جدول شماره ۱۱ و ۱۲) انجام می‌شود، تفاوت‌های کوچکی، به نسبت کتب به چشم می‌خورد. مثلاً در کتب فارسی، برای هر جنس، رتبه اول، خصوصیات اخلاقی و عاطفی است. اما در حالیکه رتبه دوم نیمرخ زن را خصوصیات مربوط به بیان شخصی و با تفاوتی کم فعالیت‌های اجرائی تشکیل می‌دهند، در نیمرخ مرد تعقل و شناخت و بعد از آن با تفاوت زیاد، فعالیت‌های اجرائی قرار می‌گیرند. خصوصیات مربوط به جسم برای هر دو گروه رتبه آخر را دارد. بنابراین بنظر میرسد که در کتب فارسی، به نسبت زن، توجه

به شناخت و تعقل در نزد مرد بیشتر باشد، ولی خصوصیات مشترک هر دو جنس، در همین کتب، اهمیت زیاد ارزش‌ها و اهمیت کمتر خصوصیات جسمانی است. در کتب تعلیمات دینی و تعلیمات اجتماعی نیز تفاوت‌های کوچکی دیده میشوند. در تعلیمات اجتماعی زن در درجه اول، از طریق فعالیتهای اجرایی و بعد از آن خصوصیات مربوط به بیان شخصی تعریف میشود در حالیکه همین نسبت برای مرد معکوس است و خصوصیات مربوط به بیان شخصی در درجه اول قرار می‌گیرند. تفاوت اخیر با توجه به اینکه شخصیت بارز کتب مزبور، شخصیت‌های مقتدر کشوری و لشگری است، تعجب‌آور بنظر نمیرسد، در تعلیمات دینی نیز در حالیکه رتبه اول برای هر دو جنس خصوصیات اخلاقی و عاطفی است، فعالیتهای اجرایی در نیمرخ مرد، درجه دوم و تعقل و شناخت درجه سوم را دارند و همان رتبه‌ها در نیمرخ زن به ابعاد بیان شخصی و فعالیت‌های اجرایی ارتباط می‌یابند و تعقل و شناخت برای زن در درجه چهارم و بیان شخصی برای مرد در همان رتبه قرار می‌گیرد. خصوصیات مربوط به جسم فقط در کتب هنر علوم و ریاضیات است که به ترتیب رتبه اول دوم و سوم را اشغال می‌کنند.

مقایسه خصوصیات نیمرخ، وقتی محاسبه بر مبنای مجموع مقوله‌های زن و مرد، رویهمرفته باشد، نیمرخ را رسم می‌کند که کلاً از حیث خصوصیات با نتایج مذکور در فوق تفاوت ندارد (جدول شماره ۱۳، ستون آخر افقی) (و نمودار شماره ۱) خصوصیات مربوط به عواطف و اخلاق بعد بارز نیمرخ مرد را تشکیل میدهند در حالیکه برای زن بعد بارز، فعالیت‌های اجرایی است ولی عواطف و اخلاق نیز تفاوت زیادی با فعالیت‌های اجرایی ندارند (۱۰/۲۶ و ۷/۰۹) و در مورد سایر ابعاد نیز رتبه‌ها یکسان می‌باشند. نمودار شماره ۲ را که بر مبنای مجموع مقوله‌های استخراج شده در متون مورد مطالعه محاسبه شده و شامل نیمرخ واحدی (صرفنظر از تفاوت‌های جنسی) است میتوان بطور انتزاعی، نیمرخ ترسیمی انسان در کتب مورد بررسی دانست. خصوصیات این نیمرخ با تأکید زیاد روی ارزش‌های عاطفی و فعالیت‌های اجرایی، و

اهمیت کمتر به تعقل و شناخت، کاملاً مشابه با خصوصیات نیمرخ است که از مرد ترسیم شده است.

مقایسه دو جنس در سطح دوران کودکی، یعنی مقایسه دختر و پسر تفاوت بارزی را نشان نمیدهد. جدول شماره ۱۰ فراوانی مقوله‌ها و درصد ابعاد مختلف هر دو نیمرخ را می‌رساند. به حسب این جدول، حجم فراوانی کل مقوله‌های مربوط به دو جنس (۶۱۲ برای دختر و ۶۴۷ برای پسر در برابر ۵۶۴ برای زن و ۲۱۲۱ برای مرد) گویای تساوی و نه تفاوت است. ولی توزیع نسبی مقوله‌ها به ابعاد، تفاوت کوچکی را در مورد تعقل و شناخت (۲۸/۷۴ درصد برای پسر و ۲۳/۰۳ درصد برای دختر) و خصوصیات مربوط به بیان شخصی (۱۰/۴۵ برای دختر و ۷/۲۶ برای پسر) می‌نماید. توصیف پسر از خلال ارزش‌های مربوط به شناخت و تعقل ظاهراً بیش از دختر است. تساوی اهمیت نسبی دختر و پسر در کتب درس، با توجه به کل نتایج، نمایانگر این امر است که کتب مزبور - برای آنچه که مربوط به تفاوت‌های جنسی است روی دختر تأکیدی بیش از زن دارند، در حالیکه این امر در مورد جنس مرد صادق نیست، و پسر، نسبت به مرد، اهمیت بسیار کمتری دارد، محور کتب مرد می‌باشد. در هر حال اهمیت یکسان دختر و پسر در کتب مورد مطالعه را - البته در صورت خوش‌بین بودن و در صورت اعتقاد داشتن به این اصل که نظام آموزش ما در طرح و خلق محتوی کتب درس آگاهی به خصوصیات انسانی که میخواهد آنرا پرورشی دهد دارد و میداند چه میخواهد و چگونه باید به خواست خود برسد - میتوان جلوه‌ای از تلاش آموزش رسمی در جهت ساختن انسانهایی بالاتر از وابسته بودن به امتیازهای خاص جنسی، نژادی و غیره و در جهت دادن امکانات آموزشی به دختر و پسر دانست.

بنابر آنچه آمد، مقایسه کمی مقوله‌ها نشان میدهد که فضای کتب درسی کاملاً مردانه است و توجه به زن خیلی کمتر از توجه به مرد می‌باشد. از سوی دیگر مقایسه ساخت یا ترکیب داخلی نیمرخ‌ها نشان میدهد که صرف‌نظر از تفاوت‌های کوچک، نیمرخ‌ها بطور کلی مشابه می‌باشند به نحویکه با توجه به کمیت

فراوانی‌ها (که در مورد زن همیشه کمتر است) میتوان نیمرخ زن را مینیاتور یا سایه‌ای ضعیف از نیمرخ مرد دانست. البته شباهت مزبور با توجه به صفت کلی انسان کاملاً طبیعی است و شاید خصوصیات این نیمرخ انسانی باشد که بحث‌هایی را لزوماً، از جهت چگونگی آن بدنبال آورد. علاوه بر آن نزدیک بودن این تصویر کلی (صرفنظر از تفاوت‌های جنس) با تصویری که از مرد در کتب فارسی ترسیم شده است، میرساند که کتب مزبور از جهت منعکس کردن خصوصیات فرهنگی درباره‌ی تصور نسبت به انسان و ایجاد زمینه‌های همانند سازی، نسبت به سایر کتب اهمیت بیشتر دارند گویانکه همانطور که درسطور بعد خواهد آمد، سایر کتب، مثلاً متون مسائل ریاضی نیز بی‌اثر نمی‌باشند. مقایسه کمی ساخت نیمرخ زن و مرد نمایانگر جنبه‌های تفاوت یا تشابه آنها است ولی درباره محتوا، یعنی مضامین تشکیل دهنده نیمرخ‌ها اطلاعی بدست نمیدهد، حال آنکه محتوای ابعاد، امر مهمی است که اکنون تحت عنوان مقایسه کیفی بررسی میشود.

مقایسه کیفی نیمرخ زن و مرد:

مقوله‌ها و مضامینی که ابعاد مختلف نیمرخ زن و مرد را تشکیل میدهند، صرفنظر از تجانس آنها در انتساب داشتن به اصلی که براساس آن، ابعاد تعیین شده‌اند، تفاوت‌های نسبتاً بارزی دارند که هم مربوط به فراوانی نسبی مضامین و مقوله‌های مشابه و هم مربوط به تنوع آنها است. مثلاً مضامین مربوط به بعد اجرا در مورد زن و مرد تفاوت دارند. مضامین مربوط به مرد فعالیت‌های علمی، ادبی، هنری، یا بطور کلی فعالیت‌هایی را شامل میشوند که فضای تحقق یافتن آنها اجتماع است. در مقابل مضامین مربوط به نیمرخ زن، بیشتر شامل اموری می‌باشند که در چهارچوب منزل تحقق می‌یابند، حتی امور مربوط به تعلیم و تربیت. یا اینکه مضامین همین بعد درباره نیمرخ پدر مسائلی چون تقبل مسؤلیت مادی خانواده، سرپرستی کودکان و تأمین نیازمندیهای مادی آنان، تصمیم‌گیری درباره امور خانواده، شاغل بودن را شامل میشود، در

حالی که فعالیت‌های اجرائی مادر به امور منزل و مراقبت و پرستاری و رفع حوائج عاطفی کودکان محدود میشوند. در بعد عواطف و اخلاق نیز موجوداتی که از طریق مضامین یاد شده ترسیم میشوند تفاوت زیاد دارند. زن موجودیست فداکار، مهربان، اجتماعی، دوست داشتنی، بدون تظاهرات پرخاشگرانه، در حالیکه مرد انسانی است کوشا، پر قدرت، شهرت طلب، استفاده‌جو، دلاور و شجاع، مدافع میهن که البته از صفات خوب دیگر چون کرامت، نوع دوستی، استقامت، مهربانی و غیره... نیز بهره کافی دارد از آن گذشته در همین بعد عواطف، بطور کلی تنوع مفاهیم یاد شده در مورد مرد بیش از زن است.

مقایسه مضامین و مقوله‌ها در سطح واحد‌های عنوان، بیشتر مربوط به ترسیم و توصیف نقش‌ها یا شخصیت‌های خاص میشود و از این نقطه نظر نیز میان زن و مرد تفاوت‌های فاحش وجود دارد. مثلاً شخصیت‌های بارز کتب تعلیمات اجتماعی (فراوان‌ترین و هم‌چنین غنی‌ترین نقش‌ها از جهت داشتن مفاهیم ارزشی - به جدول شماره ۳ رجوع شود) از خلال مضامین مربوط به بیان فردی و شخصی چون تظاهرات پرخاشگرانه، جنگ کردن، تصرف کردن، غنیمت به چنگ آوردن، دفاع کردن، اقتدار و تسلط‌جویی، و یا مضامین مربوط به فعالیت‌های اجرائی چون انجام اصلاحات مختلف، تأسیس و بنیان - گزاری دولت‌ها و تشکیلات مختلف، ترقی و توسعه دادن، کار و فعالیت تولیدی و اقتصادی، ترویج علم و ادب توصیف میشوند، در حالیکه برای همان شخصیت‌ها امور عقلی و شناختی اهمیت نسبی کمتر دارند. زنی که در همین کتب توصیف میشود، بیشتر از طریق فعالیت‌های اجرائی چون تنظیم امور داخلی منزل، کار و فعالیت تولیدی و اقتصادیست.

در کتب تعلیمات دینی، شخصیت بارز، رهبر دینی است که از طریق تقوی، پرهیزکاری، نوع دوستی صداقت و امانت، و فعالیت‌های اجرائی چون ارشاد، راهنمایی، ترویج اسلام و غیره توصیف میشود. به عبارت دیگر انسانی است از خود گذشته، با تقوی و نوع دوست که سعی دارد حقیقت را به هم‌نوعان خود بشناساند و راهنمای آنها باشد. در حالیکه در همین کتب

زن در نقش مادر از طریق وظایف خانه‌داری و تربیت کودکان توصیف شده است. شرح زیر که از تعلیمات دینی سال پنجم ص ۱۶ گرفته شده، گویای نیمرخی است که از او، در همین کتب، از خلال مضامین و مقوله‌های مربوط بدست می‌آید:

« کارخانه و تربیت کودکان را مادر به عهده دارد و بخوبی آنها را انجام میدهد. محیط داخلی خانه بسیار تمیز و منظم است. همه چیز در جای خود قرار دارد. غذای لذیذ تهیه میشود. بچه‌های کوچک از مهربانی و تربیت صحیح مادر برخوردارند. همه کودکان از مادر مهربان خود قدردانی می‌کنند. چون کارهای خانه زیاد است، دیگر افراد خانواده وقتی به خانه برمیگردند، به اندازه‌ی توانائی به مادر کمک می‌کنند. »

در همین کتب تعلیمات دینی نیمرخ پدر از خلال صفاتی چون ایمان داشتن به خدا، مورد اطاعت و احترام بودن و بر فرزند خود حق داشتن، دادن نسبت و تبار به کودک، مهربانی، خوش رفتاری دوست داشتنی بودن، تعریف میشود. فعالیت‌های اجرائی او عبارتند از برعهده داشتن مسؤلیت مادی خانواده، نگاهداری و سرپرستی فرزند، آگاهی و پاسخ دادن به سؤالات فرزند، خصایص عقلانی و جسمانی او تحت تأثیر خصایص مذکور در فوق‌اند و خصایص اخیر نیز عبارت از پاگیزی و ورزش کردن می‌باشند.

شخصیت‌های فراوان کتب ریاضی دختر و مادر، پسر و پدر می‌باشند و یا کارگر که مضامین اجرائی آنها را توصیف می‌کنند. مثلاً کارگر از طریق میزان فعالیت‌های حرکتی در واحد زمان مورد سنجش قرار می‌گیرد، یا اینکه فعالیت شناختی پسر به وسیله تعداد صفحات کتابی که در یک واحد زمان مطالعه کرده است محاسبه میشود!! (جالب است که متون مسائل ریاضی تا چه میزان میتوانند ناآگاهانه ارزشهایی را، غیر از مسائلی که مورد نظر طرح‌کننده مسئله است، به کودک منتقل نمایند). پدر و مادر نیز اکثراً یا از طریق تهیه کردن و دادن خوراکی برای و به فرزندان (در مورد مادر) و یا لباس خریدن برای آنها و تقسیم ثروت خود بین آنها (در مورد پدر) تعریف میشوند. بطور کلی

و صرفنظر از تفاوت‌های جنسی، بررسی واحد‌های عنوان ترسیم شخصیت‌هایی متفاوت و گاه يك بعدی (مثال شخصیت بارز کتب تعلیمات اجتماعی) را نشان میدهد.

بنابراینچه آمد، نتایج کمی، از طریق ارقام و اعداد مربوط به نقش‌ها و نیمرخ‌ها، فرضیه تحقیق را تأیید می‌کنند، بررسی نقش‌ها نشان میدهد که بطور کلی تنوع آنها بسیار کم است. فراوان‌ترین نقش‌ها، مربوط به موقعیت زن در داخل خانواده (مادر، همسر، کدبانو) و مخصوصاً مادر است. نقش‌هایی که فضای توصیف آنها اجتماع می‌باشد هم فراوانی و هم تنوع بسیار کم دارند. با این ترتیب میتوان به یقین و بر مبنای ارقام و آمار داده شده اظهار کرد که توصیف زن از خلال نقش‌هایی که کتب مورد بررسی به او نسبت میدهند، متحجر و مخصوصاً يك بعدی است و از این زاویه آئینه دقیق و باوفای سنت‌های دیرین می‌باشد. همین نتایج، از طریق بررسی مقوله‌ها و مضامین توصیف‌کننده نقش‌ها، یعنی از طریق نیمرخ‌ها، به نحو دیگری تأیید میشوند. مقوله‌ها و مضامین توصیف‌کننده زن فعالیت و فضای ابراز وجود او را، منحصرأ، خانواده می‌دانند. در خانه نیز فعالیت‌ها و تأثیر وجود زن بیشتر از نقطه نظر، مراقبت و پرستاری، بطور کلی انجام امور داخلی منزل است و نه سرپرستی، سازمان‌دادن و اخذ تصمیم. هم‌چنین از نقطه نظر فعالیت‌های سازنده و خلاقه چون، علم، ادب و هنر، زن تقریباً مقامی ندارد و تأثیر وجود او از لحاظ سازمانها، تشکیلات و امور کلی مربوط به اجتماع، جای ناچیزی را در کتب اشغال می‌کند. در مقابل سیمای مرد، چه از جهت نقش‌ها و چه از جهت منظومه مضامین و مقوله‌های توصیف‌کننده آنها، وضع متفاوتی دارد. گو آنکه از نظر انسانی دارای اختصاصاتی است که در نتیجه‌گیری کلی درباره‌ی آن بحث خواهد شد. و بسیار متعادل‌تر است: نقش‌های منسوب به او تنوع دارند به نحوی که تعریفی چند بعدی از او میدهند. پایگاه او هم در خانواده (از نقطه نظر سرپرستی، تقبل مسئولیت‌های مادی) و هم در اجتماع (از نقطه نظر فعالیت‌های اجتماعی، کشوری و لشگری) است. علم و ادب، هنر و خلاقیت-

های مربوط به آنها تقریباً منحصر به او می‌باشند، به نحویکه حتی در مآخذ و مراجع ادبی و یا در شرح حال دانشمندان و مخترعین که در کتب فارسی آمده‌اند، یادی از زن نشده است. بطور خلاصه میتوان گفت که فضای کتب مردانه است.

با این حال، در برابر تفاوت‌های بارز ذکر شده شباهت‌هایی نیز در مجموع نتایج میان زن و مرد به چشم می‌خورد: اول در سطح خانواده، هم در مورد مرد و هم در مورد زن، نقش همسر تقریباً جای بزرگی ندارد، بطوریکه میتوان تصور کرد که خانواده، صرفنظر از پدر و مادر، کودکان و گاهی مادر بزرگ و یاپدر بزرگ، مفهوم دیگری ندارد و نقش همسر جای بسیار کمتری را اشغال می‌کند. خانواده‌ایکه متشکل از زن و مردی باشد که زندگی خود را به یکدیگر پیوند داده‌اند، به سختی قابل تصور می‌باشد. در ثانی نیمرخ کلی زن، یعنی نیمرخ او از خلال نتایج کلیه کتابها تفاوت چندانی با نیمرخ مرد ندارد و سیمای زن تصویر بیرنگی از سیمای مرد است. تفاوت ناچیز سیمای زن و مرد یکی در توجه بیشتر - در سیمای مرد - به ارزش‌های اخلاقی و عاطفی است و دیگری در توجه بیشتر - در سیمای زن - به امور و فعالیت‌های اجرایی. تفاوت را شاید بتوان چنین توجیه کرد که با توجه به اهمیت زیاد ارزش‌های اخلاقی و عاطفی در سیمای کلی که از انسان در کتب درسی ترسیم شده است، و با توجه به اهمیت بیشتریکه به تصویر مرد داده میشود، طبعاً در توصیف او به عنوان یک انسان بارز، صفات و ارزش‌های اخلاقی جای بزرگی را اشغال می‌کنند. از سوی دیگر توجه به مضامین تشکیل دهنده همین بعد نشان میدهد که برخی از صفات چون شهرت طلبی، نام‌آوری، وغیره... تقریباً خاص مردان آمده‌اند و زنان از این حیث بی‌نصیب شناخته شده‌اند. به عبارت دیگر تنوع ارزش‌های منسوب به مرد، طبعاً فراوانی را در نزد او بالاتر برده‌اند. ولی صرفنظر از این تفاوت، سیمای کلی انسانی که از خلال مجموع مقوله‌های ثبت شده بدست می‌آید دارای اختصاصاتی است که شاید از بعضی لحاظ قابل بحث باشند. با وجودیکه روی ارزش‌های عاطفی و اخلاقی تأکید

زیاد شده است ، با این حال جالب بنظر میرسد که در مورد این انسان عاطفی و اخلاقی ، برای آنچه که مربوط به اصول و ارزش های حاکم بر رفتار انسانها است ، خیلی بیشتر از مفاهیم يك سويه یاد میشود تا ارزش های متقابل ، مثلا روابطی چون ابراز قدرت ، فرمان دادن ، دستور دادن ، کمک کردن ، ترحم کردن ، بخشیدن ثروت به فقرا ، سپاسگزار بودن ، ظاهراً ، بیشتر یاد شده اند تا مضامینی چون مشارکت ، تعاون ، همکاری ، اعتماد متقابل ، توجه به ارزش انسانها و غیره ... از سوی دیگر مسئله ای که درباره خصوصیت این نیمرخ واحد مطرح میشود ، ارزش نسبی کمتر تعقل و شناخت است . شاید در فرهنگ و تمدن ماشینی که انسان کامپیوتری بر آن سایه افکنده است ، گرایش به طرف توجه به ارزش های عاطفی و اخلاقی و انسانی ، امر لازمی باشد ، ولی آیا این امر در مورد ما نیز صادق است ؟ آیا ما نیز آنچنان در برابر ابراز قدرت شدید مغز یا به عبارت دیگر افراط کاریهای آن قرار گرفته ایم که چنین توجه زیاد به ارزش های اخلاقی توصیفی و توجه کمتر به مسائل تعقلی و شناختی لازم باشد ؟

بررسی نیمرخها و نقشها در سطح واحدهای عنوان ، تفاوت‌های رانشان میدهد . کتب تعلیمات اجتماعی ، تعلیمات دینی و فارسی پر نقش ترین کتب می باشند (امریکه با توجه به موضوع آنها کاملاً طبیعی است) و نقش های آنها توصیف نسبتاً مفصلی نیز دارند . در همین کتب نیز هست که اولاً تفاوت‌های زن و مرد بارزترند و در ثانی ، شخصیت‌هایی بصورت يك بعدی توصیف شده است که شاید از لحاظ تصویر يك انسان قابل انعطاف و پر تحرك ، مورد آرزو نباشد .

آنچه مذکور آمد ، نتایجی است که از طریق آمار و ارقام تأیید میشوند . اکنون باید دید بررسی کیفی و بررسی های مکمل چه اطلاعات دیگری بدست میدهند .

ج - بررسی مکمل یا بررسی همانند سازی

منظور از این بررسی ، مطالعه يك واحد متن (یعنی يك درس کامل)

از نقطه نظر دارا بودن يك تصوير نسبتاً جامع از انسان است . به عبارت بهتر ، منظور از بررسی همانند سازی بررسی شخصیت اصلی يك واحد متن است که به علت بارز و مشخص بودن در چهارچوب متن مربوط ، امکان همانند سازی با او ، از طرف خواننده وجود دارد. لازم است گفته شود که تنها کتب فارسی اند که به علت مختصات متن یعنی آماده بودن جهت این نوع بررسی ، مطالعه شده اند. بررسی مزبور مانند بررسی های قبلی هم از نقطه نظر نقش (پایگاه یا موقعیتی که شخصیت اصلی از خلال آن تعریف میشود) و هم از نقطه نیمرخ (مقوله ها و مضامین توصیف کننده شخصیت مورد نظر) انجام یافته است . جدول شماره ۱۴ توزیع نقش و فراوانی و درصدهای مربوط به آن را در مورد زن نشان میدهد . به حسب این جدول دختر با درصدی معادل ۵۵ بزرگترین مدل یا موضوع همانند سازی است و سپس رتبه دوم از آن مادر است که بیش از ۲۰ درصد فراوانی ها را در بر نمی گیرد . از سوی دیگر در همین جدول مدلهائی که در داخل چهارچوب خانواده توصیف شده اند (دختر ، مادر ، همسر ، کدبانو) معادل هشتاد درصد کل مدل های همانند سازی می باشند حال آنکه مدلهائی که تعریف آنها منحصرأ در فضای اجتماع است (آموزگار) درصدی معادل ۷/۵ بیشتر ندارد .

در مقابل نتایج فوق که وضع زن را از جهت الگوها یا مدل های همانند سازی بیان می کنند نتایج مربوط به مرد قرار دارند که وضع او را به نحو کاملاً متفاوتی می نمایانند . به حسب همین جدول شماره ۱۴ (جدول مربوط به مرد) هم فراوانی کل مدل های (۸۴ برای مرد در برابر ۴۰ برای زن) مربوط به مرد بیشتر و هم تنوع آنها بسیار وسیع تر است . مدل پسر با ۳۰/۹۵ درصد رتبه اول و پس از آن مدلهای نقش های ردیف ۱ (شاعر ، نویسنده ، مخترع و عالم) با ۱۴/۲۹ در صد رتبه دوم و قهرمان و پهلوان با ۱۴/۲۹ در صد رتبه سوم ، نقش های ردیف ۳ (کارگر ، چوپان ، پیشه ور) با ۹/۵۲ درصد رتبه پنجم ، شاه و شاهزاده با ۸/۳۳ درصد رتبه ششم ، پدر با ۲/۳۸ درصد رتبه هفتم ، شخصیت های مذهبی با ۲/۳۸ درصد رتبه هشتم و بالاخره آموزگار و سپاهر

دانش با ۳۸/۲ همان رتبه را دارند . به حسب همین جدول بعد خانواده (پدر و پسر) ۳۳/۳۳ درصد حجم کلی مدل‌ها و بعد اجتماع در حدود ۶۶ درصد آنرا اشغال می‌کند . از سوی دیگر مقایسه کلیه مدل‌های موضوع همانند سازی رویهمرفته نشان می‌دهد که حجم اشغالی شخصیت های مردانه ۶۷/۷۴ در صد و شخصیت های زنانه ۳۳/۲۶ درصد کل فضای اشغالی است .

جدول شماره ۱۵ که بر مبنای کلیه‌ی مدل‌های همانند سازی (صرفنظر از تفاوت جنس) تنظیم یافته است ، رتبه‌های الگوهای مختلف را به حسب فراوانی و درصد نشان می‌دهد . در همین جدول دیده میشود که اکثر رتبه‌های بالا (جز رتبه ۲ و شش که به ترتیب مربوط به دختر و مادر می‌باشند) به مرد تعلق دارند . در همین جدول شماره ۱۵ تفکیک نقش‌ها به حسب سن نسبت به فراوانی مدل‌ها نیز دیده میشود . به حسب این جدول مرد و پسر رتبه‌های اول و دوم و دختر وزن رتبه‌های سوم و آخرین را دارا می‌باشند .

بنابراین ، مطالعه و بررسی الگوهای همانند سازی ، به نحو دیگری ، نتایج قبلی را تأیید می‌کند و منجر به دو نکته بارز میگردد :

اول آنکه الگوهای موضوع همانند سازی منعکس کننده جنسیت زن نسبت به مرد ، فراوانی و هم‌چنین تنوع کمتر دارد ، یعنی فضای اشغالی مدل‌های مردانه دو برابر فضای مدل‌های زنانه است . از سوی دیگر علاوه بر تفاوت در فراوانی ، تنوع و گستردگی آنها نیز کاملاً متفاوت است . الگوهای موضوع همانند سازی زن ، تقریباً منحصرأ در داخل خانواده‌اند ، جز مورد آموزگار نقش فعال و سازنده اجتماعی ندارند و از نقطه نظر مدل‌های علمی ، ادبی و سایر مسؤلیت‌ها و فعالیت‌های مختلف فوق‌العاده فقیر می‌نمایند . به عبارت دیگر ، یک بعدی بودن تعریف زن در اینجا نیز به چشم می‌خورد . در مقابل مرد ، نه فقط از حیث فراوانی ، بلکه به لحاظ تنوع شخصیت‌ها ، در وضع امتیازداری - در مقایسه با زن - قرار می‌گیرد . شخصیت‌های علمی ، ادبی ، هنری ، و هم‌چنین به اجبار ، شخصیت‌هایی که تاریخ به آن افتخار می‌کند ، کلیه ، مرد می‌باشند .

در ثانی، بررسی مدل‌ها نشان می‌دهد - همانطور که قبلاً در مورد نقش‌ها و تصاویر نیز گفته شد - که در کتب فارسی تأکید زیاد به نسبت مقایسه او با زن روی نقش دختر است و همانند سازی با او شدیداً تقویت می‌شود، چنانکه گویی فضای جنس زن در کتب فارسی محدود به دوران کودکی است. رابطه مذکور در مورد مرد و پسر معکوس است و مرد بزرگسال فضای زیادی را نسبت به پسر اشغال می‌کند.

جدول شماره ۱۶، که فراوانی مدل‌های زنانه و مردانه را در واحدهای بررسی کتب فارسی نشان می‌دهد، از جهت تأکید روی نقش‌های جنسی بسیار جالب می‌نماید - به حسب این جدول در فارسی سال‌های اول و دوم مدل‌های دو جنس فراوانی یکسان دارند - شاید بتوان از آن نتیجه گرفت که در آن سالها تفکیک و تفاوت‌های جنسی هنوز مورد نظر نیستند - ولی از سال سوم به بعد، مخصوصاً در واحد بررسی ۵ است که تفاوتها بارز میشوند و مدل‌های مردانه، به نسبت مدل‌های زنانه، اکثریت قابل توجه را بدست می‌آورند. یعنی به همان نسبت که متون فارسی از صورت مسائل بسیار ساده‌ی روزانه خارج میشوند و خصوصیات فرهنگی بیشتر و پیچیده‌تری را منعکس می‌نمایند، به همان نسبت نیز تفاوت‌های جنسی، که در اینجا بصورت شخصیت‌ها یا مدل‌های موضوع همانند سازی در متون آمده‌اند، آشکارتر میشوند.

صرفنظر از فراوانی و تنوع مدل‌ها یا الگوهای موضوع همانند سازی، خصوصیات آنها یعنی مقولات و مفاهیمی که مدل‌ها را تعریف کرده‌اند نیز مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نیمرخ‌های شماره ۳ و ۴ مربوط به کلیه الگوهای ثبت شده، در مورد هر جنس به تنهایی می‌باشند. با توجه به این امر که در این نوع بررسی توجه خاص به شخصیت‌هایی است که میتوانند موضوع الگوی همانند سازی از طرف خواننده باشند، بهتر بود که در مورد هر الگو یا مدل، نیمرخ داده میشد، بطوریکه هر یک از آنها نیمرخ مربوط به خود را داشته باشند، ولی نظر به تعددیکه این امر از لحاظ ارائه‌ی نیمرخ‌ها به وجود می‌آورد، در اینجا فقط نیمرخهایی که بر مبنای کلیه الگوهای همانند سازی مربوط به یک جنس،

ترسیم شده‌اند داده میشود. به حسب نیمرخ شماره ۵، خصوصیات سیمائی که از مجموع الگوهای زنانه موضوع همانند سازی استخراج میشود، عبارت از خصوصیات اخلاقی و عاطفی است که بالاترین درصد (۲۷/۵۰) را دارد و بعد از آن به ترتیب فعالیت های اجرائی (با ۲۵ درصد)، تعقل و شناخت (با ۲۲/۵۰ درصد) و بالاخره خصوصیات مربوط به بیان شخصی (با ۱۵ درصد) قرار می‌گیرند. خصوصیات مربوط به جسم آخرین رتبه را دارند. نیمرخ شماره ۶ در مورد مرد نشان میدهد که مهمترین بعد مجموع الگوهای مربوط به او خصوصیات عاطفی و اخلاقی و بعد از آن با تفاوت ناچیز (که معنی دار بنظر نمیرسد) خصوصیات مربوط به بیان شخصی است. سایر ابعاد یعنی خصوصیات مربوط به جسم، فعالیت های اجرائی و تعقل و شناخت، درصد های ضعیفی دارند. این عجیب می‌نماید که با وجود اینکه مدل های مربوط به شخصیت های علمی و ادبی، ظاهراً فراوانی زیاد دارند ولی بعد تعقل و شناخت، در مجموع آنها، جای بزرگی را اشغال نمی‌کند. نیمرخ های داده شده، به همان علت که مربوط به جمع الگوهای مختلف می‌باشد، شاید بیش از حد تتراعی بوده و به اندازه‌ی کافی رسا و گویا از لحاظ بارز ساختن خصوصیت هر الگو و مدل نباشند. ولی در هر حال، در این مورد خاص ظاهراً نیمرخ بدست آمده از خلال الگوهای مربوط به جنس زن متعادل تر از نیمرخ مرد است، هر چند در مجموع خصوصیات هر دو نیمرخ با محتوای نیمرخ های قبلی منطبق می‌باشند. چون متون مورد بررسی فقط کتب فارسی می‌باشد، پس امر اخیر میتواند مؤید مطلبی باشد که قبلاً گفته شد و آن اهمیت متون فارسی در القاء تصویری از انسان، با خصوصیات معین و توصیف شده، به خواننده است.

از جهت مضامین و مقوله های تشکیل دهنده نیمرخ ها، تنها توضیحی که لازم بنظر میرسد این است که در مورد زن تظاهرات پرخاشگری و استیلاگری وجود ندارد و جنبه های مربوط به ضعف بیان شخصی نیز نه در مورد مرد و نه در مورد زن قابل توجه نیستند و به عبارت دیگر بنظر میرسد که، الگو یا شخصیت های موضوع همانند سازی مذکور در کتب فارسی جنبه‌ی ایدآلی

نسبتاً قوی داشته باشند .

نتایج مذکور در فوق مربوط به نتایج کمی بودند ، یعنی نتایجی که مستقیماً از ارقام و اعداد بدست می‌آیند و شواهد آنها بر محاسبه فراوانیها و در صدها است . اکنون به ذکر نتایج کیفی می‌پردازیم :

۲- نتایج بررسی کیفی :

منظور از بررسی کیفی ، استنباط های کلی اندکه از مطالعه متون حاصل میشوند و لزوماً بر ارقام و آمار تکیه ندارند . ولی همانطور که ملاحظه خواهد شد ، نتایج این بررسی نیز کاملاً در جهت و تأییدکننده نتایج بررسی کمی است . استنباط های کلی ناشی از هر یک از واحد های عنوان به ترتیب ، مختصراً شرح داده میشوند :

۱- کتب فارسی :

سیمای زن در کتب فارسی سنتی ، قالبی و تا حدود زیادی دچار فقر مضمون می‌باشد و علت آن فقر موقعیت‌ها و نقش‌هایی است که زن در آن توصیف شده است . به عبارت دیگر ، مقام زن در اجتماع تنها از چند طریق قالبی و سنتی مشخص میگردد مانند آموزگار ، معاشر و دوست ، و در مواردی بسیار محدود ، ملکه . در مقابل تأکید زیاد روی نقش مادر است و میتوان گفت که تنها معرف اجتماعی زن مادر بودن اوست . از طرف دیگر ، نقش فراوان زنانه ، در همین کتب - مخصوصاً در سالهای اولیه - نقش دختر محصل است ، که سایر نقش‌ها را تحت الشعاع قرار میدهد . در مقابل ، تعدد و تنوع نقش های مردانه ، نسبت به نقش های زنانه ، چشم گیر است . موقعیت‌ها و نقش‌هایی نظیر مخترع ، کاشف ، پزشک ، شاعر ، عالم و دانشمند ، دهقان ، بازرگان ، پهلوان و قهرمان و سردار در مورد مردان یاد شده است . البته در کنار نقش های مذکور نقش های دیگری نیز چون مرد پارسا ، نانوا و بنا ، نقاش ساختمان و دیگر ... نیز ذکر شده‌اند . گذشته از سنتی بودن و متجحر و محدود بودن نقش های منسوب

به زن، به نسبت نقش های منسوب به مرد، اکثر گفتارها و دروس فارسی فضای مردانه دارند، یعنی شخصیت های برجسته‌ی آن متون از جنس مذکر می‌باشند و فراوانی اینگونه متون حجمی بیش از دو برابر متونی دارد که فضای آنها کاملاً زنانه است. شرح حال‌ها و بیوگرافیها اختصاص به مردان دارند. عناوینی از قبیل «داستان پرواز - مرکب از دو درس»، «ابوعلی سینا»، «داستان نویس کودکان جهان»، «کودکی سهراب - مرکب از سه درس»، «سعدی»، «کودکی که در اثر اراده و پشتکار به شهرت و افتخار رسید»، «داستان کاوه آهنگر - مرکب از سه درس یا گفتار» (در کتاب فارسی چهارم) و «دوست بزرگ بچه‌ها»، «چه گواراست مرگی که در راه میهن باشد»، «پزشک انسان دوست - مرکب از دو درس»، «رودکی پایه‌گزار شعر فارسی»، «آرش کمانگیر»، «ادیسون»، «رستم پهلوان بی‌مانند شاهنامه»، «هفت‌خوان رستم»، «سرانجام رستم» (در کتاب فارسی پنجم) نمایانگر این واقعیت می‌باشند. به‌گونه‌ای دیگر و در مجموعه داستانهای پرداخته شده و نزدیک به واقع، عناوینی از قبیل «دهقان فداکار» (فارسی دوم)، «پسر فداکار» (در فارسی چهارم) و «فداکاری» (فارسی پنجم) ملاحظات مذکور در فوق را تأیید می‌کنند. در مقابل عناوینی که مذکور آمد، عناوینی چون «فداکاری مادر و عزم و اراده‌ی فرزند» که آنهم زن در نقش مادر آمده‌است و مجموعاً دودرس از کتاب چهارم را شامل میشود - و یادستان مربوط به معشوقه‌ی خسرو پرویز که در آن زنی درسی به مردی می‌آموزد، فوق‌العاده نادر می‌باشند. از آن گذشته، در متون فارسی جملاتی از قبیل «شرف‌الدین بزودی پدر خود را از دست داد و بی‌سرپرست ماند» یا: «حسین در سن هشت سالگی پدر خود را از دست داد و بی‌سرپرست ماند» (فارسی چهارم، دروس هیجدهم و بیست و هفتم) زیاد تکرار شده‌اند. لازم به توضیح نیست که بیان مطالب از این طریق، جز انکار اهمیت و فایده مادر در خانواده، به عنوان کسی که میتواند مسؤولیت مادی و معنوی آنرا برعهده داشته باشد، نمی‌تواند مفهوم دیگری را القاء کند. در دنباله همین درس اخیر - درس

بیست و هفتم - در بخش پرسش ، در طرح سؤالات مربوط به متن تأکید روی نقش پدر به عنوان کسی که مسئولیت مادی و معنوی خانواده را برعهده دارد ، به وضع روشن تری ملاحظه میشود . سؤالات مذکور چنین طرح شده اند : « حسین قبل از آنکه پدر خود را از دست بدهد به چه تشبیه شده بود و بعد از آنکه پدر خود را از دست داد به چه تشبیه شده است ؟ » و یا « حسین در چند سالگی پدر خود را از دست داد ؟ » و باز « حسین بعد از مرگ پدر چه تصمیمی گرفت ؟ » . با رجوع مجدد به متن دیده میشود که پاسخ سؤال نخست از این قرار است که او (حسین) چون مسافر زورق نشسته ای در دریای آرام زندگی خود به گشت و تماشا مشغول بود که ناگهان دریا متلاطم افتاد و تقاش کوچک در میان طوفان گرفتار شد (!! ...)

صرفنظر از مواردی که در فوق آمد ، قصص و افسانه های مذکور در کتب نیز همیشه تصویر مثبتی از زن ترسیم نمی کنند . از جمله داستان ننه سرما ، در کتاب دوم که در آن پیر زن ، سمبول سرمای زمستان و پدیده ای قهار ، آزارگر و انتقام جو معرفی شده است . از آن گذشته پیر زنهای قصه گوئی که در متون آمده اند روزی داستانهایی با قالبهای خرافی اند ، در صورتیکه مثلاً قصه آرش کمانگیر و دلاوریها و جانبازیهای او را « عمو نوروز » تعریف میکند !

در قبال سیمای فقیر زن از جهت تأثیر گذاری بر محیط ، قبول مسئولیت های اجتماعی و خلاقیت های هنری و علمی ، مرد از امتیازهای وافری برخوردار است . علاوه بر آنکه فضای متون اکثراً مردانه اند ، بیوگرافیها و شرح حالها به آنها اختصاص دارند ، مراجع ادبی یاد شده فقط مربوط به آنهاست و بطور کلی سیمای توصیف شده آنها برفضای کتب حکومت می کند ، جملات و بیانهایی که در مفاهیم کلی و عمومی تأکید روی مقام و اهمیت او دارند نیز فراوان دیده میشوند . مانند : « ایرانیان قدیم از پدران خود داستانهایی نقلی میکردند و به آنها علاقه داشتند » (فارسی چهارم - مقدمه داستان کاوه آهنگر) . و یا « ماجراهایی که در آن روزگاران اتفاق می افتاد سینه به سینه از پدران به فرزندان میرسید » (فارسی پنجم ، داستانها) و یا « این خط میخی است - پدران

مادر ۲۴۰۰ سال پیش با این خط می نوشته اند . « (فارسی چهارم - گنج نامه)
و یا « در زمان هخامنشیان پدران ، به زبان فارسی باستانی سخن می گفتند .
(فارسی پنجم ، طوفان نوح) یا « پس دست به دست از پدرها گردید و رسید
به پسرها » (فارسی پنجم ، شعر ایران) و نظائر آن که بسیار فراوانند .

با این ترتیب بررسی کیفی نشان میدهد که در کتب فارسی ، بعد حاکم
بر تصویر زن « بعد خانواده » است . کتاب فارسی سال اول ، شامل مجموعه ای
از وقایع ساده ی روزانه است که در حوزه ی امور و مسائل خانوادگی و یا
فعالیت های تحصیلی ، بطور مستمر ، ارائه میشوند . حجم خانواده چهار نفر
است و بر اساس شواهد و قرائن کلامی و تصویری ، روابط حاکم بر این خانواده
دوستی ، تفاهم محبت و مهربانی است . بچه ها که یک دختر و یک پسرند ، موضوع
توجه و علاقه بزرگترها - پدر ، مادر ، مادر بزرگ - میباشند و فعالیت هائی را
با مشارکت یکدیگر انجام میدهند . با این حال خارج از محیط خانواده ،
اکثراً دوستی دختر با دختران دیگر و پسر با پسران دیگر است . در نحوه ی
انتخاب بازیهای آنها نیز تفاوت هائی به چشم میخورد ، پسران اکثراً ابزار سازند ،
بامیخ و تخته و غیره اسباب بازیهای خود را میسازند ، در حالیکه این سازندگی
به دختران نسبت داده نشده است . اگر در پای تخته پسر عکس دوچرخه
میکشد ، دختر عکس گل می کشد ، پسر دوچرخه سواری و دختر توپ بازی ،
طناب بازی و عروسک بازی می کند . پدر بزرگ برای دارا تفنگ و برای ،
سارا توپ میخرد . وظیفه ی مادر رسیدگی بکار بچه ها ، آشپزی ، خرید خانه
و رختشوئی است و تصویر پدر در اینگونه فعالیت ها دیده نمیشود . بطور کلی
تصویر پدر از خلال فعالیت های روزانه منزل ، به همان علت که در آن زمان ،
بعد فعالیت او در خارج است ، دیده نمیشود . از کتاب فارسی دوم به بعد ،
این وضع به تدریج تغییر می کند و موقعیت ها پیچیده تر میشوند و به همان
نسبت تفاوت های جنسی وضوح بیشتر می یابند . تصویر مادر در خانواده هم چنان
مهربان ، دوست داشتنی ، فداکار و دلسوز است و تا زمان شروع تعلیم و
تربیت رسمی کودک ، آموزش و تربیت او را برعهده دارد . ولی بتدریج ، با

ورودكودك به مدرسه ، سبب پدر در توضیح و تبیین مشکلات و مسائل بارزتر میشود به نحویکه سرپرست و مسؤل بلامنازع امور معنوی و مادی خانواده او است .

۲ - کتب تعلیمات اجتماعی :

نخستین واحد از کتب مربوط به تعلیمات اجتماعی ، در مجموع سیمائی نوید بخش از زن ترسیم می کند و محتوایی غنی هم در مورد زن و هم در مورد مرد دارد . ولی این وضع در کتب بعدی بکلی تغییر می یابد و با اختصاص یافتن قسمت اعظم مباحث سالهای چهارم و پنجم به تاریخ و شرح وقایع جنگی ، تصویر مرد ، بر زن غلبه کامل می یابد و فضای متون کاملاً مردانه میشوند ، چنانکه گویی تاریخ یعنی شرح وقایع جنگی ، کشورگشائی ، غنیمت به چنگ آوردن یا شکست خوردن ، از بین رفتن و غنیمت دادن . طبعاً در چنین وضعی زن نمی تواند چهره ای بارز باشد .

۳ - کتب تعلیمات دینی :

فضا یا اصل حاکم بر این کتب ، اخلاق است و طبعاً تصویر زن و مرد نیز تحت تأثیر فضای کلی می باشند . گفتارهاییکه اختصاص به پیامبران و امامان دارند ، لزوماً کاملاً مردانه اند . ولی بطور کلی ، تصویر انسان در کتب مزبور در خلال ارزش های اخلاقی چون پرهیزکاری ، تقوی ، امانت و ایمان و هم چنین وظیفه شناسی ترسیم میشود . اخلاق و وظیفه بر رفتار و کردار انسانها حکومت میکنند . منتها اگر پیام های اخلاقی دعوت به تقوی و پرهیزکاری برای همه افراد ، صرفنظر از تفاوت جنس و تفاوت سنی است ، وظیفه و ساخت وظایف آنها را از یکدیگر مجزا میکند . برای هر یک از افراد خانواده - که بعد بارز مطرح شده در این کتاب است وظایف و تکالیفی دقیقاً تعیین و مشخص شده اند . حوزه فعالیت و انجام تکالیف زن در محیط خانواده و بصورت مادر است (در این مورد میتوان به متنی که درص ۳۴ داده شده است

رجوع کرد). ولی تصویر مادر در هاله‌ای از احترام ترسیم و رعایت حال و احترام او بر همه فرض شده است. با این حال وقتی به انسان، از زاویه تفاوت جنس نگاه میشود، کتب تعلیمات دینی، با تأکید روی پیشوایان دینی، جنبه‌ای کاملاً مردانه دارند و از نقطه نظر سازندگیهای اجتماعی کوچکترین جایی برای زن نمی‌شناسند و مخصوصاً تعیین دقیق انسانها از خلال وظایف آنها، تفاوت‌های بارزی را، بطور غیر مستقیم، میان آنها به وجود می‌آورد.

۴ - کتب ریاضی و علوم:

تصویر بارز جنسی، در کتب ریاضیات و علوم دختر و پسر است و بطور کلی نمی‌توان ترسیمی جامع از سیمایی انسانی در این کتب بدست آورد. البته تردیدی نیست که هدف کتب مزبور نیز چنین امری نمی‌باشد. با این حال، ناخود آگاهانه، از خلال موقعیت‌ها و اعمال فرضی - چون در این کتب، به ویژه ریاضیات، کارآئی انسانها را که مآخذ عمل قرار می‌گیرند - ارزش‌هایی توصیف و انسانهایی - هرچند ناکامل و یک بعدی - ترسیم میشوند. مثلاً در مسائل ریاضی پدر برای کودکان خود لباس می‌خرد، پول خود را میان آنان تقسیم می‌کند، در حالیکه مادر چنین اموری را انجام نمیدهد. در کتب علوم، بخصوص از طریق عکس‌ها و نقاشی‌ها، موازنه‌ای در انجام فعالیت‌های تجربی و آزمایش میان دختر و پسر به چشم می‌خورد. البته محتوای ارزشی تصاویر و تشریح موقعیت‌ها، غنی نیست، ولی در آنچه هست تفاوت بارز میان دختر و پسر وجود ندارد و با این حال، در همین کتب متونی نیز وجود دارند، مانند محتوای درس فرهاد کنجکاو، که در آن القای تفکر علمی و تجربی از خلال تصور دو شخصیت فرضی مردانه، به عمل می‌آید. ولی بطور کلی، شاید بتوان کتب علوم را مقدمه‌ای در جهت ترسیم سیمای متعادل و متوازن پسر و دختر دانست.

بحث

در مقدمه گفته شد که یکی از عوامل بسیار ضروری و اساسی که به پیشرفت اجتماعی زن اصالت می‌دهد و کمک میکند تا نه تنها سیمای او نسبت به گذشته تغییر حاصل نموده و با تحولات امروزی جامعه هماهنگ گردد، بلکه علاوه بر آن، مسیر تحولات نیز در اختیار او قرار گیرد، چگونگی تصور زن نسبت به خود است. هم‌چنین گفته شد که چگونگی تصور نسبت به خود با کلیه قراردادها، رسوم، سنت‌ها، و بطور کلی قوانین حاکم بر رفتار انسانها ارتباط دارد و به همین جهت تغییر دادن آن امریست آموزشی در معنای وسیع، که لزوماً در بعد زمان تحقق می‌یابد. پس فرضیه تحقیق ما بر این مبنا بود که نظام آموزشی کنونی، و به عبارت دقیق‌تر، محتوای کتب درسی دوره‌ی ابتدائی به منزله یکی از عوامل ایجادکننده همانند سازها، با تغییرات کنونی جامعه هماهنگی ندارد و پایدار سنت‌های گذشته است.

بررسی محتوای کتب مزبور، مخصوصاً نتایج کمی مبنی بر ارقام و اعداد، فرضیه را تأیید می‌کنند. در محتوای مورد نظر کوچکترین کوششی در جهت دادن سیمائی اجتماعی، فعال و سازنده از زن دیده نمی‌شود. به عبارت صحیح‌تر، نتایج نشان می‌دهند که سیمای زن در کتب درسی دوره‌ی ابتدائی جلوه‌ایست وفادار از سنت‌های قدیم و گذشته در مورد او. شباهت‌های یافت شده با زن زحمت‌کش امروز ایران، که نیم وجودش وقف فعالیت‌های

خارج است و نیم دیگر و اکثر اوقات در بدترین شرایط - در چهارچوب خانواده میگذرد ، بسیار ناچیز می نماید . نکاتی که از نتایج کلی ، یعنی از بررسی مجموع متون استنباط میشوند - و ارقام و اعداد آنها را تأیید می کنند بقرار زیر است :

۱ - متون مورد نظر نقش های مختلف منسوب به مرد و به زن را بطور متعجب و بصورت غیر قابل تعویض ، تعریف می کنند ، منظور این است که نقش های منسوب به زن و به مرد ، همیشه و در کلیه موارد و موقعیت ها فقط به زن یا به مرد تعلق دارند به نحویکه امکان تبادل و تعویض میان آنها نیست . البته منظور از قابل تعویض نبودن نقش ها ، نقش های اجتماعی است و نه آنهایی که تابع خصوصیات بیولوژیکی می باشند . مثلاً مسؤلیت زن در خانواده ، همیشه نقش نظافت دادن ، طبخ کردن و غیره است و مسؤلیت مرد تأمین احتیاجات مادی ... هرگز در همین متون دیده نمیشود که مردی در کار طبخ به زن خود کمک کند یا اینکه خود شخصاً طبابخی نماید . در جهت معکوس نیز هر گز از زنی در نقش يك عالم یا نویسنده یاد نشده است . چنانکه گویی ، این نقش های اجتماعی نیز ، چون نقش های ناشی از خصوصیات بیولوژیکی ، غیر قابل تعویض و تبدیل می باشند . تنها نقشی که در مورد هر دو جنس آمده است ، نقش آموزشی یعنی آموزگاریست .

۲ - نقش های منسوب به زن نه تنها متعجب بلکه فوق العاده کم تنوع نیز می باشند . بطوریکه فضای ابراز وجود زن ، تقریباً منحصر به محیط خانواده است و نقش های مربوط و متعلق به او تنها آنهایی اند که در این فضا قابل تعریف می باشند . زن عالم و دانشمند ، زن ادیب ، زن هنرمند که صرفنظر از فعالیت های کوچک چون گلدوزی و غیره ... خلاقیتی در سطح اجتماع داشته باشد در کتب مورد نظر ، از جمله نوادر و یافت نشدنی ها است ، حتی در مراجع ادبی یادشده در متون فارسی نیز ذکری از زن نمیشود . در برابر ، بررسی تصویر مرد ، به عنوان بررسی کنترل یا شاهد ، تنوع نقش های منسوب به او را نشان میدهد . مرد پایگاهی در خانواده و مقام و مسؤلیتی در اجتماع

برعهده دارد. کلیه‌ی مخلوقات علمی، ادبی، هنری، از آن اویندو اوست که بر کلیه‌ی فعالیت‌های سازنده‌ی اجتماع حکومت میکند. با این ترتیب سیمای ترسیم شده از زن در کتب درسی و به حسب مقایسه با مرد، یک بعدی و به همان دلیل نامتعادل می‌نماید. بدون شك فعالیت‌زن در خانواده، به‌عنوان همسر یا مادر، به هیچوجه مورد اعتراض و انتقاد نیست، بلکه هدف انتقاد متوجه به یک بعدی بودن تعریف زن و از آن طریق نامتعادل بودن تصویر است که از او ترسیم میشود. مسلماً زن میتواند در خانواده مسؤولیت‌های زیادی را انجام دهد ولی لازمه‌ی امر این است که اودرانتخاب چهارچوب منزل به‌عنوان تنها محیط ابراز وجود شعور و آزادی کامل داشته و این احساس را داشته باشد که از طریق انجام آنها وجود خود را اثبات می‌نماید و امکانات وجودی خود را بروز میدهد. اگر در خانه ماندن زن، تنها به‌علت قراردادهای اجتماع و اجبار در پذیرفتن آنها باشد، نسبت به آزادی او خیانت شده است.

۳ - حجم مطالب مربوط به زن چه از نظر نقش و چه از نظر مقوله‌های توصیف‌کننده‌ی نقش در برابر حجم مطالب مربوط به مرد، ناچیز است بطوری که میتوان گفت، متون مورد مطالعه فضای کاملاً مردانه دارند و از این لحاظ اهمیت زن در برابر اهمیت داده شده به جنس مخالف، ناچیز می‌نماید.

۴ - خصوصیت یا ساخت نیمرخ‌هایی که بر مبنای توصیف نقش‌ها، از خلال محاسبه‌ی مضامین مربوط استخراج شده‌اند، نشان میدهد که از این لحاظ تفاوت‌های میان زن و مرد چشم‌گیر نیست. زن بیشتر از مرد از خلال فعالیت‌های اجراییش - که اکثراً در محیط خانواده تحقق می‌یابد - تعریف میشود ولی هم در مورد او و هم در مورد مرد نکات مشابهی وجود دارد از جمله اهمیت کم مسائل شناختی و تعقلی - به نسبت ارزش‌های اخلاقی و عاطفی و همچنین اهمیت کمتری که به فعالیت‌های حرکتی و خصوصیات مربوط به جسم داده میشود. با توجه به شباهت ساخت نیمرخ‌ها میتوان فرض کرد که از انسان - صرف‌نظر از تفاوت‌های جنسی - تصویری ترسیم میشود که خصوصیات برجسته‌اش عبارتند از اهمیت داشتن ارزش‌های اخلاقی و عاطفی و فعالیت‌های

اجرائی، بی‌اهمیت بودن نسبی تعقل و شناخت و خصوصیات ناشی از جسم. به عبارت دیگر، انسان ترسیم شده از خلال متون مورد مطالعه، جنبه‌ی تجریدی شدید دارد چون از سوئی عناصر ترسیم‌کننده آن بیشتر مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی و عاطفی‌اند و از سوی دیگر توجه به ابعاد فیزیکی و بدنی و خصوصیات و فعالیت‌های ناشی از آن در کمترین حد بنظر میرسد. اما تعمق در مفاهیم و مضامینی اخلاقی و عاطفی و مخصوصاً مفاهیم مبین رفتار انسانها با یکدیگر نشان میدهد که باوجود تأکید روی ارزش‌های اخلاقی و عاطفی، این انسان ترسیمی خیلی کمتر از طریق مشارکت، همکاری، تعاون، به اعتماد کردن به دیگری، قبول تساوی انسانها، شرکت در رأی و نظردادن و امور مشابه آن تعریف میشود تا از خلال رفتارهای يك سويه چون اطاعت یا رحم کردن، سپاسگزار بودن، فرمان دادن، غیره... توجه به مشارکت و همکاری جای زیادی را، در متون مورد مطالعه، اشغال نمی‌کند.

مطالعه و بررسی، در سطح واحدهای عنوان، نتایج مذکور در فوق را به نحو دیگری، با مختصر تفاوت در محتوای عنوانهای مختلف، تأکید می‌کند. مسلماً کتب فارسی، از لحاظ تصویر انسانها، تصویر زن و مرد، غنی‌ترین کتب و یکی از رساترین وسایل بیان خصوصیات فرهنگی می‌باشند. تصویر زن در این کتب تصویريست محدود و بسته یا محصور در قرارداد های سنتی. کتب تعلیمات اجتماعی، که ظاهراً می‌باید انعکاسی - البته در قالبی که برای کودک دوره دبستانی قابل فهم باشد - صحیح و روشن از مسائل و دانش‌های مختلف اجتماعی باشند، با تأکید شدید روی تاریخ - و مخصوصاً با استنباط خاصی که از وقایع تاریخی به صورت وقایع جنگی هست - منجر به این شده‌اند که اولاً تفاوت‌های زیادی را از جهت زن و مرد نشان دهند و در ثانی با تأکید روی رهبریهای لشگری و جنگی، فقط به شخصیتی خاص توجه نشان دهند و به همان دلیل صورت يك بعدی پیدا نماید. کتب تعلیمات دینی، دقیقاً، تعریف انسانها را بر مبنای وظایف آنها قرار میدهند و به همان نسبت که وظایف در خانه و در اجتماع تفاوت دارند، تصویر زن و مرد هم جدائی

می‌یابند. یکی حاکم بر خانواده و دیگری حاکم بر اجتماعی است که در آن ایمان، تقوی، پرهیزکاری، گذشت و فداکاری از ارزش‌های مطلوب و مورد نظر می‌باشند.

نکات مذکور در فوق مشخص‌ترین و بارزترین جنبه‌های تصویر است که در کتب درسی ابتدائی از زن و مرد ترسیم و برای آنچه که مربوط به زن است، به یک تصویر سنتی تعبیر میشود. بنابراین، اینطور بنظر میرسد که تصویری چنین مفید در قالب‌های هم محدود و بسته و هم غیر قابل تعویض نقش‌ها نتواند به عنوان یک عامل موفق ایجاد کننده مدل یا موضوع همانند سازی، کودک دختر یا پسر را برای امروز و به همان دلیل برای دنیای فردا آماده نماید. البته آموزش رسمی، مخصوصاً در دنیای معاصر که کوشش و مسائل ارتباط جمعی مفاهیم زمان و مکان را تغییر داده‌اند و کودک در معرض پیام‌های بسیار متعدد و متنوعی قرار گرفته است، نمی‌تواند به منزله‌ی تنها عامل مهم و سازنده‌ی پرورشی استنباط گردد ولی در هر حال یکی از عناصریست که به اجتماعی کردن کودک کمک می‌کند و مدل‌ها و موضوعات همانند سازی را به او ارائه می‌دهد. به نظر ژوسلین (۱) تا آنجا که آموزش و پرورش در حد انتقال وضع گذشته به نسل در حال رشد و از آن طریق به عنوان حافظ مداوم و بقای اجتماع عمل می‌کند، امکان برخورد تمدن و جامعه - تمدن در معنای تحول و تغییر و جامعه در معنای بقا و ثبات و تداوم - زیاد است. آموزش و پرورش در صورتی که بتواند تقاضای تحول را با نیاز به بقای گذشته درهم آمیزد، از تضادم جامعه و تمدن یا به عبارت صحیح‌تر از تضادم عوامل یا انسانهای مظاهر آنان، یعنی نسل جوان و نسل پیر، جلوگیری می‌کند. بنابراین با توجه به عدم هماهنگی که به حسب تحقیق حاضر میان سنت‌های تقویت شده در کتب درسی با تحولات و تغییرات معاصر جامعه، یعنی به عبارت صحیح‌تر، با وضع تمدن حاضر، وجود دارد و مخصوصاً با توجه به این امر که دنیای ترسیم شده کتب مزبور، در واقعیت قابل لمس و تجربیات روزانه

۱ - ژوسلین - ماخذ یاد شده قبلی

كودك ، تأييد و تقويتى نمى‌يابند ، شايد لازم باشد كه تجديد نظر هاى در هدفها ، وسايل و برنامه‌ريزى هاى نظام آموزشى ، به عمل آيد . بدون شك ، و قبل از اينكه مسئله‌ى تفاوتهاى جنسى ، مطرح باشد ، مسئله‌ى هدف‌ها و فلسفه كلى انسان مطرح است . بايد اين اصل را پذيرفت كه در جامعه‌اى كه هدف ساختن و پرورش دادن انسانهاى است با اعتقاد به ارزش وجودى خود و ديگران ، يعنى با اعتقاد به تساوى ارزش انسانها ، در جامعه‌اى كه توصيف انسانها يك بعدى ، متحجر و از طريق نقش‌هاى دقيقاً تعيين شده‌ى قبلى نيست ، قضاوت در مورد ديگرى و چگونگى رفتار با او تحت تأثير تعصب‌هاى نژادى ، مذهبى و به همان دليل جنسى ، قرار نمى‌گيرد و زن و مرد ميتوانند ، عارى از هرگونه قضاوتهاى خاص ارزشى ، به عنوان دو موجود ، دو انسان هم فكر و همكار ، تشريك مساعى داشته باشند . بنا بر اين اگر تجديد نظرى در اصول آموزشى لازم باشد ، بايد قبل از هرچيز ، و به عنوان يك مسئله‌ى كلى و عمومى ، سعى در روشن كردن فلسفه وجودى انسان داشته باشد . به عبارت بهتر ، روشن شود به کدام انسان ، با کدام خصوصيات ، براى کدام زمان و کدام دنيا توجه دارد . تا آنجا كه بتوان به نتايج اين تحقيق اعتماد كرد و آنرا عموميت داد ، انسان توصيفى كتب مورد مطالعه كه از سوئى از خودگذشتگى زياد و از سوئى ديگر قدرت‌طلبى و پرخاشگري شديد دارد انسان زن يا مردى كه چنين شديد و با تفكيكى چنين دقيق از طريق نقش‌هاى خاص توصيف ميشود ، مشكل است كه بتواند با حقايق متنوع خارج هماهنگى داشته باشد .

چند پیشنهاد

در سطور فوق مسائلی مورد بحث قرار گرفتند و اکنون در تعقیب آنها چند پیشنهاد، به منظور تجدیدنظر در کتب درسی مورد مطالعه، ارائه داده میشود:

۱ - جانشین ساختن تعریف يك بعدی زن به وسیله تعریف های چند بعدی. منظور این است که نه تنها نقش های منسوب به زن تنوع یابند، بلکه در انتساب آنها نیز تفاوت های متحجر زن و مرد تقصان یابد و در موقعیت های هم خانوادگی و هم اجتماعی نقش ها قابل تعویض باشند. اگر مواردی هست و موقعیت های توصیف میشود که در آنها مرد مسؤلیت مادی یا معنوی خانواده را برعهده دارد، موارد و موقعیت های دیگری نیز داده شوند که در آنها همان مسؤلیت را زنی انجام میدهد، یا اگر در موقعیت های اهمیت شغل پدر مطرح میشود، در موقعیت های دیگر، این اهمیت در مورد زن نیز به نحوی به میان آید، هم چنین اگر از مردی در نقش مهندس یاد میشود امکان این نیز باشد که در موقعیتی دیگر از زنی به عنوان پزشك، یا مهندس و یا نقش هایی شبیه آن سخن به میان آید.

۲ - تنوع بخشیدن به نقش های منسوب به زن از طریق روایات داستانها، و یا متون مختلف به نحویکه وضع زن، نسبت به مرد، هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی در وضعی یکسان و مشابه قرار گیرد و جنبه ها:

کاملاً مردانه فضای کتب تغییر یابد. به عبارت دیگر بهتر است تأکید روی مرد به تأکید روی انسانی آزاد و عاری از هرگونه تعصب‌های مختلف، مبدل گردد. موقعیت‌هایی که در آنها مشارکت، تعاون و تقابل مطرح میشوند به موقعیت‌هایی که در آن زور و قدرت و یا ترحم و دلسوزی بیان میشود، افزونی یابند.

۳- در ذکر مأخذ و مراجع، زن فراموش شده باقی نماند. از ادبا و

شعراى زن نیز یاد شود و از آن طریق چهره ادبی او رنگ و رونق یابد.

۴- دادن شرح حال و بیوگرافی دانشمندان، ادبا و شعراى زن و شخصیت‌هایی که در تاریخ ایران یا تاریخ دنیا از خود اثری برجای گذاشته‌اند.

۵- بازکردن افق کتب درسی به تحولات جدید و منعکس ساختن

چهره جدید زن در آنها. با ذکر حوادث و جریانات معاصر در متون کتب، با طرح داستانهای نزدیک به واقع که بازگوکننده‌ی جریانات و حوادث خارج می‌باشند میتوان افق کتب درسی را، از ایدآلی و انتزاعی و مخصوصاً سنتی بودن خارج کرد و به واقعیت خارج نزدیک نمود.

۶- بعد کنونی و آینده بخشیدن به مطالب و محتوای کتب به طریقی

که در بند ۵ آمد. در دنیائی که کودک با مسائل و محرکات متعددی درگیر است، کتب درسی نباید به او احساس غربت دهند و موجب شوند تا از خواندن آنها گریزان باشد و فقط از روی اجبار مطالب را حفظ نماید.

۷- مطالب هنری بطور کلی افزونى یابند و از آن طریق مشارکت

فعال زنان در فعالیت‌های هنری نیز مورد نظر قرار گیرد.

۸- آگاه بودن به ارزش‌هایی که میتوانند، ناخود آگاهانه و بطور

غیر مستقیم از خلال متونی که برای هدف و منظور دیگری داده شده‌اند، استنباط شوند. مثال، سمورت مسائل ریاضی که البته نسبت به گذشته درجهت مثبت تغییر کرده‌است ولی خالی از انتقاد نیز نیست.

۹- کتب فارسی، تعلیمات اجتماعی و تعلیمات دینی، به همان علت

که تصویری جامع‌تر از انسان ترسیم می‌کنند، به تجدید نظری دقیق‌تر بر مبنای، در درجه اول فلسفه کلی انسان و در درجه دوم تفاوت‌های جنسی، نیاز دارند.

۱۰ - توجه داشتن به ذکر فعالیت‌هایی که زن در خانواده و در اجتماع به موازات یکدیگر انجام می‌دهد. مثلاً چرا هرگز از یک مادر طیب، یا مادر مهندس در متون کتب فارسی یاد نمیشود؟ آیا مادر مهندس یا مادر طیب در اجتماع ما وجود ندارد؟

۱۱ - دادن چهره‌هایی، مخصوصاً در کتب تعلیمات اجتماعی، متعدد و متنوع از زن به نحوی که در قشر‌های مختلف اجتماع و در مراکز مختلف جغرافیایی هست و فعالیت می‌کند.

فهرست شماره ۱ : مقوله‌ها و مضامین تشکیل دهنده‌ی نیم‌رخ
زن بزرگسال و دختر در کنیه‌ی واحدهای عنوان

۱ - تعقل و شناخت

کنجکاوی ، پرسیدن ، سؤال کردن ، حل مسأله ، پیدا کردن راه‌حل ،
کشف روابط ریاضی بین اعداد ، یادگیری ، میل به دانستن ، مطالعه ، دقت و
موشکافی ، تدبیر و اندیشیدن درك کردن ، استدلال و استنتاج ، چاره‌اندیشی ،
دقت و کنکاش ، طرح‌ریزی ، توضیح دادن تبیین ، اطلاع و آگاهی ، عرضه
کردن اطلاعات ، دانائی و خردمندی ، هوشیاری ، چاره‌جویی ، مشکل‌گشائی ،
تدبیر و درایت ، بی‌اطلاع و سطحی بودن .

۴ - خصوصیات مربوط به بیان شخصی

الف - آزارگری ، ظلم ، بیداد و خشم و پرخاشگری .
ب - تقبل مسؤلیت ، لیاقت و شایستگی ، عمل به استقلال ، اظهارنظر
و پیشنهاد راه‌حل ، تصمیم‌گیری ، پایداری ، هدف داشتن ، گستاخی و جسارت ،
خودداری و کف نفس ، تحسین شدن ، محسود واقع شدن ، قدر و احترام
داشتن ، مورد سپاس بودن ، خودنمائی ، ابتکار ، مخالفت کردن ، رفع اتهام
از خود ، مبارزه و جهاد کردن ، کسب افتخار و سرافرازی ، غرور و تکبر ،
آزادی و رهائی از قیود ، کسب حقوق مساوی با مردان ، شرکت در فعالیتهای

اجتماعی ، حمایت کردن ، مبارزه با مشکلات ، عزم و اراده ، ابراز لیاقت ، پیشقدم شدن ، شرکت در بحث .

ج - تنهایی ، بیکیسی ضعف و ناتوانی ، نیازمندی مادی ، دردمندی و رنجوری ، ناکامی ، درماندگی ، بی اثر بودن ، بی اهمیت بودن ، تحت‌الحمایه بودن ، خوار و ذلیل بودن ، ناکامی ، وسیله تفریح شدن ، محصور بودن در فعالیت های خاص سنتی (منحصراً امور خاص منزل را برعهده داشتن) ، مستثنی بودن از مردم ، تأثیر ساختمان جسمی در حقوق اجتماعی کمتر ، استمداد کردن ، اتکاء داشتن ، اقتباس و استناد به غیر ، وابستگی داشتن ، میل به وابستگی ، مباحثات کردن به همسر .

۳ - خصوصیات عاطفی و اخلاقی

همکاری و تعاون ، علاقمندی به حیوانات ، زیبایی دوستی ، صرفه - جوئی ، نظم و ترتیب ، تعلقات میهنی و مذهبی ، ادب و تواضع ، مهربانی و محبت ، میهمان‌نوازی ، شرمساری ، نوجوئی ، احتیاط ، بی نظمی و بی انضباطی ، ترس و وحشت ، صداقت و صمیمیت ، قدرشناسی ، ادب ، شرمساری ، تحمل رنج و مرارت ، اجتماعی بودن و معاشرت کردن ، دوستی ، رعایت و احترام غم‌خواری و نیکوکاری ، بشاشیت و خوشروئی ، خوش بینی ، اندوه ، همدردی ، عیادت کردن بیمار ، اعتقادات خرافی ، صبر و حوصله ، بدبینی ، وفاداری ، یاری ، تقوی و پرهیزکاری ، امیدواری و خوش بینی ، اعتماد و اطمینان کردن ، عشق و علاقه ، دلسوزی و ترحم ، عاقبت بینی ، صرفه‌جوئی ، وحشت ، تحسین زیبایی ، غم و غصه ، پس انداز (اندوختن) ، دوستی و رفاقت .

۴ - خصوصیات مربوط به جسم

نظافت و پاکیزگی ، قدرت جسمانی ، زیبایی ، لطافت ، زور و قدرت جسمی ، چالاکی و چستی ، زائیدن و به دنیا آوردن .
بازی (بازیهای جمعی و فردی) بازی باوسایل (توپ بازی ، طناب

بازی (فعالیتهای ورزشی ، عمل به اصول بهداشت ، نظافت ، تحرک و جنب و جوش ، آرایش کردن .

۵- فعالیتهای اجرایی

خلاقیت علمی : آزمایش کردن ، تجربه کردن ، شرکت در آزمایش ، ساختن و درست کردن ابزار و آلات (به تنهایی یا با مشارکت) .
استعداد و فعالیت هنری : نقاشی کردن ، نواختن آلات موسیقی ، گلدوزی ، تزئین ، گل آرائی ، عکاسی ، رقص ، آرایش کردن .
سرگرمی : جمع آوری تمبر ، بافتن و دوختن ، جمع آوری عکس .
کار در خانه : شستشوی لباس و ظروف ، خرید برای خانه ، طبخ ، نظافت خانه .

تعلیم و تربیت و انتقال فرهنگ : یاد دادن ، پند و اندرز و نصیحت ، دلالت ، راهنمایی کردن ، پاسخ بسؤالات ، قصه گوئی ، مجازات ، تادیب ، پاداش دادن ، وعده به پاداش ، تشجیع کردن و امیدواری دادن ، تشویق و ترغیب .
فعالیت تولیدی و اقتصادی : کشاورزی ، دامداری ، تولید وسایل و ابزار کار ، شکار ، تأمین غذا ، کار در کارخانه ، تهیه و تولید مایحتاج غذایی (لبنیات ، نان ...) .

فعالیت اجتماعی : رأی دادن ، انتخاب کردن ، معلمی ، سپاهیگری (سپاهی انقلاب) .

مراقبت و پرستاری : پرستاری کردن .

فهرست شماره ۲ - مقوله‌ها و مضامین توصیف‌کننده‌ی نیمرخ‌مرد و پسر در
کلیه‌ی واحدهای عنوان

۱ - تعقل و شناخت

کنجکاوی ، پرسیدن ، میل به دانستن ، یادگیری ، مطالعه کردن ،
استدلال کردن ، اثبات یا رد کردن ، کوشش در فهم مسائل ، حل مسئله ،
موشکافی کردن ، استفاده از روش علمی ، فکر کردن و تعمق ، تلاش برای
شناخت حقیقت ، خردمندی ، پی‌بردن به علل امور ، ابتکار ، علاقمندی به
ادب و به‌کتاب ، سخنرانی و نکته‌سنجی ، تسخیر فضا ، علاقمندی به کشف و
خواست اختراع ، مقایسه و قضاوت کردن ، انگیزه‌ی پیشرفت ، دانستن ،
هوشیاری ، فهمیدن ، مطلع بودن ، توضیح دادن ، ابراز نظر ، پاسخ دادن ،
سؤال ، ارزش علم ، چاره‌جویی و مشکل‌گشائی ، درس خواندن و مدرسه
رفتن ، مشاهده کردن ، ابداع وسیله برای رسیدن به هدف ، تجسم آینده .

۲ - خصوصیات مربوط به بیان شخصی

الف - تظاهرات پرخاشگری : استبداد ، زورگوئی ، خودکامگی ،
اقتدار و قدرت ، اعمال نفوذ ، تجاوز و اشغال ، فتح و تصرف ، سرکوبی ،
تخریب و ویرانگری ، غلبه و استیلاگری ، توسعه‌طلبی ، باجگیری ، جنگ‌طلبی ،
جنگ و نزاع ، قلع و قمع و غارت ، استثمار کردن ، غصب مقام ، نزاع وجدال ،

تحمیل کردن .

ب - دلاوری و شجاعت ، پایداری و استقامت ، لیاقت و کاردانی ، مبارزه کردن و دفاع ، قیام و شورش و سرپیچی ، تهور ، رهائی بخشی ، استقلال طلبی ، سرافرازی ، تصمیم گیری ، عزم و اراده ، حراست از مرز و بوم ، تقبل مسؤلیت ، قدرت تأثیر گذاری ، خودنمایی ، ابراز وجود ، اطمینان نسبت به خود ، طغیان علیه زور ، استقامت و پایداری برای رسیدن به هدف .

ج - ناتوانی و درماندگی ، بی لیاقتی ، عجز ، اسارت و درماندگی ، ترس و بیم ، توقف در اقدام و عمل ، عدم تقبل مسؤلیت ، احساس حقارت ، شکست خوردن ، تقلید و تبعیت ، اتکاء و دست نشانده گی ، تملق گوئی ، استمداد کردن ، تحمل کردن و پذیرش ، گرفتار شدن .

۳ - خصوصیات مربوط به اخلاق و عواطف

تعلقات میهنی و مذهبی ، راستی و درستی ، واقع بینی صلحجویی ، آرامش طلبی ، سخاوت و بخشندگی ، آزاد اندیشی ، هوسبازی و عیاشی ، نیکوکاری ، قدرشناسی ، نفرت ، اندوه و غم ، مال اندیشی ، فداکاری و ایثار ، بدرفتاری ، سودجویی ، ایمان ، آداب معاشرت ، مهربانی ، و همدلی ، تلاش و کوشش ، همکاری و مودت ، مسرت و شادمانی ، خرسندی ، ادب و تواضع و فروتنی ، صداقت ، دورویی ، دروغ ، متهم کردن ، فریب دادن ، لهو و لعب ، علاقمندی به حیوانات ، جبرگرائی ، علاقمندی به خانواده ، نועدوستی ، کمک به دردمندان ، همدوستی ، قدرت داشتن و طلب قدرت ، احترام گذاردن ، اطاعت کردن ، جاه طلبی ، حفظ نام و شهرت ، دوستی و محبت ، حرف شنوی ، ترحم به ضعفا ، میهماندوستی ، ثروت خود را به فقرا بخشیدن ، هیجان پذیری ، توجه به ارزش مساوی انسانها ، انصاف و عدالت ، خدمت کردن به مردم ، شکم پروری ، کین خواهی ، توطئه کردن ، اجتماعی بودن ، انجام وظیفه ، به تبار اهمیت دادن ، توانائی و برتری ، مالکیت ، نامداری و شهرت طلبی ، سپاسگزاری ، امانت و وفای به عهد ، ...

۴ - خصوصیات مربوط به جسم

ورزش ، بازی (بازی باوسایل ، توپ بازی ، دوچرخه سواری) بازیهای گروهی ، بازیهای انفرادی ، بهداشت و نظافت ، خودآرایی ، تنومندی ، فنون جنگدانی ، چالاکی ، مهارت ، قدرت جسمانی .

۵ - فعالیت های اجرایی

ترویج علم و ادب ، تأسیس مراکز علمی ، تشویق علماء و هنرمندان ، ترغیب فعالیتهای ادبی و علمی ، ارشاد و راهنمایی ، ترویج دینی ، تعلیم و تربیت و انتقال فرهنگ ، یاد دادن ، پند و اندرز دادن ، تنبیه و مجازات ، پاداش و تشویق .
کار تولیدی (اقتصادی) کشاورزی ، دامداری ، کار در کارخانه ، تولید وسایل و ابزار کار .

اصلاح و آبادانی : تأسیس کردن ، بنیانگذاری شاهنشاهی و دولت ها ، تأسیس بیمارستان ، تأسیس مراکز مختلف .

سرپرستی خانه : مسؤلیت مادی ، خرید کردن ، پول دادن ، تقسیم وظایف ، تعیین برنامه .

فعالیت هنری : نقاشی کردن ، استفاده از ابزار موسیقی ، تزئین کردن ، عکاسی ، آرایش کردن تألیف آثار ادبی (شعر ، کتاب ، نمایشنامه ، داستان) .
فعالیت علمی : آزمایش و تجربه کردن ، تألیف آثار علمی ، اختراع کردن .

فهرست شماره ۳ - مقوله‌ها و مضامین توصیف کننده‌ی نیمرخ - مادر
کتاب فارسی

۱ - تعقل و شناخت

چاره‌جوئی ، استدلال و استنتاج ، آگاهی و وقوف ، خردمندی ،
هوشیاری ، آینده‌نگری ، توضیح و تبیین .

۲ - خصوصیات مربوط به بیان شخصی

الف -

ب - قبول مسؤلیت ، مورد اتکاء بودن ، شجاعت ، شهامت ، هستی
بخشی ، قدرت خلاقه ، حمایت کردن . قدرت و اقتدار - تأمین مالی .

۳ - خصوصیات عاطفی و اخلاقی

مورد علاقه بودن ، محبت ، مهربانی ، تعلقات میهنی و مذهبی ، نظم
و ترتیب ، اجتماعی بودن ، صرفه‌جوئی ، صمیمیت و مهربانی ، اعتقادات خرافی ،
مال‌اندیشی ، همراهی و معاضدت فرزند ، هستی بخش بودن .

۴ - خصوصیات مربوط به جسم

زائیدن و بدنیا آوردن .

۵ - فعالیت های اجرایی

تعلیم و تربیت و انتقال فرهنگ : یاددادن ، پاسخ دادن ، هدایت و ارشاد ، اندرز و نصیحت ، قصه گوئی و نقل روایت ، عمل به آداب و سنن .
سرپرستی و اداره خانه ، رسیدگی به وضع کودکان ، تنظیم و تربیت امور .
مراقبت و پرستاری : پرستاری هنگام بیماری و ناتوانی فرزند

فهرست شماره ۴ - مضامین و مقوله‌های توصیف‌کننده‌ی نیمرخ دختر در
کتب درسی

۱ - تعقل و شناخت

علاقمندی به مطالعه و یادگیری ، درس خواندن ، آموختن ، کنجکاوی ،
سؤال کردن و پرسیدن ، دقت و موشکافی ، ریزینی ، استدلال و نتیجه‌گیری ،
توضیح دادن ، اطلاع و آگاهی ، تشریح و توصیف کردن ، بی‌اطلاعی ، سطحی
بودن ، تشخیص غلط .

۲ - خصوصیات مربوط به بیان شخصی

الف -

ب - اظهار نظر ، ابراز عقیده ، پیشنهاد راه‌حل ، مخالفت کردن ، مورد
علاقه و محبوب بودن ، تحسین و تشویق شدن ، تصمیم‌گیری ، پایداری ، هدف
داشتن ، تقبل مسئولیت ، قبول وظیفه ، ابراز لیاقت ، گستاخی و جسارت ،
خودداری و کف نفس ، غرور و تکبر .
ج - ضعف ، نیاز مالی ، استمداد کردن ، نیازمندی به کمک ، اتکاء
و عدم استقلال .

۳ - خصوصیات عاطفی و اخلاقی

علاقمندی به حیوانات ، تحسین زیبایی و زیبایی دوستی ، نظم و ترتیب

(انضباط) ، تعلقات میهنی و مذهبی ، معاشرت و دوستی ، (اجتماعی بودن)
میهمان نوازی ، تنوع طلبی ، احتیاط و ملاحظه کاری ، خنده روئی و بشاشیت .
همکاری و تعاون ، واقع بینی .
بد خلقی و ترش روئی ، بی نظمی .

۴ - خصوصیات مربوط به جسم

قدرت و زورمندی جسمانی ، زیبایی ، لطافت .
بازی و تفریح ، علاقمندی به بازی (بازیهای جمعی ، عروسک بازی ،
طناب بازی ، توپ بازی) .
نظافت (تمیز کردن) .

۵ - فعالیت های اجرایی

کارخانه : (کمک به مادر در انجام کارهای خانه) چون خرید ،
شستشو و چیدن سفره .
استعداد و فعالیت هنری : نقاشی .
کار در خارج از خانه : گاوداری .

جدول شماره ۴ - درصد فضای انشائی نژادهای مربوط به زن و مربوط به مرد به نسبت کل فضای انشائی نژادها در هر واحد عنوان و در مجموع آنها.

واحدهای عنوان	فراوانی نژادهای مربوط به زن	فراوانی نژادهای مربوط به مرد	جمع	درصد نسبی در مورد زن	درصد نسبی در مورد مرد
خراس	۱۷۱	۳۵۱	۵۲۲	۴۰/۵۲	۵۶/۶۸
تغیبات نسبی	۴۱	۱۳۳	۱۸۴	۲۶/۶۲	۷۳/۰۸
تغیبات حلقه‌ش	۲۳	۱۱	۳۴	۲۰/۶۰	۷۶/۸۲
عوز	۱۶	۲۱	۳۷	۴۳/۶۶	۵۶/۶۵
ریختن	۸۶	۱۱۱	۱۹۷	۴۳/۵۶	۳۸/۳۵
مرد	۷	۶	۱۳	۵۳/۸۵	۵۶/۱۵
جمع	۳۶۴	۶۶۱	۱۰۲۵	۳۶/۳۵	۶۳/۰۵

جدول شماره ۵ - توزیع فراوانی و درصد نثش‌های منتسب به زن و مرد در ابعاد خانواده و اجتماع (در صدها به حسب کلبه نثش‌های استخراج شده از تمام کتب درمورد زن و مرد ، مجموعاً ، محاسبه شده‌اند) .

اجساد	زن		مرد	
	فراوانی	در صد	فراوانی	در صد
خانواده همسر - کدبانو - مادر پدر - نسبت های تباری	۱۱۴	۱۱/۵۷	۹۹	۱۰/۰۵
اجتماع شغل های مختلف	۱۲	۱/۲۲	۲۱۱	۲۹/۵۴
دختر - پس (بانوجه به تفکیک سن)	۱۹۳	۱۹/۵۶	۱۲۶	۱۷/۸۷
زن - مرد بدون تفکیک صریح نقش	۴۵	۴/۵۷	۵۴	۵/۴۸

جدول شماره ۶ - توزیع فراوانی و درصد نسبی نتایج آزمون‌های مربوط به زن و به سرد (در صدها برای هر یک از دو جنس بر اساس کل نتایج استخراج شده در تمام کتابها، در مورد هر یک نه نهائی، محاسبه شده‌اند)

مرد		
درصد	فراوانی	نتیجه‌ها و ابعاد
۱۲/۶۴	۷۶	پسر بعد خانواده :
۰/۱۷	۱	همسر
۱/۹۰	۱۸	نسبت‌های تاری
۱۶/۱۱	۶۹	مجموع بعد خانواده
۲۸/۳۴	۱۷۶	پسر (تفکیک سنی)
۸/۷۰	۵۴	مرد (سون تفکیک سرریج آتش)
۱/۱۸	۳۹	آتش‌های ردیف ۱
۱/۱۵	۱۴	آتش‌های ردیف ۲
۴/۹۹	۳۱	آتش‌های ردیف ۳
		بعد اجتماع
۱۱/۵۶	۱۱۵	رهبرهای مختلف کشوری و لشکری
۱۴/۸۱	۹۶	رهبری دینی
۴۶/۸۵	۲۹۱	مجموع بعد اجتماع
۱۰۰	۶۲۱	مجموع ستونهای فوق

زن		
درصد	فراوانی	نتیجه‌ها و ابعاد
۲۵/۵۴	۹۳	مادر بعد خانواده :
۳/۸۴	۱۴	همسر
۱/۹۲	۷	کدبانو
۲۱/۳	۱۱۴	مجموع بعد خانواده
۲۰/۰۲	۱۱۳	لحتر (تفکیک سنی) ۱
۱۲/۲۶	۴۵	زن (بیون تفکیک سرریج آتش)
۱/۶۴	۶	رهبری
۱/۶۴	۶	بعد اجتماع : آتش‌های ردیف ۲
۳/۲۸	۴۲	مجموع بعد اجتماع
۹۹/۹۶	۳۶۴	مجموع ستونهای فوق

توضیح : رهبریهای مختلف کشوری و لشکری : سلطان - وزیر - پهلوان جنگی - فرمانده - حاکم - سردار ...
ش‌های ردیف ۱ : دانشمند . مخترع . مکتشف . فیلسوف . شاعر . ادیب . نویسنده ...
ش‌های ردیف ۲ : آموزگار - سپاهی انقلاب . کارمند . مهندس ...
ش‌های ردیف ۳ : کارگر پیشه‌ور . کشاورز . فروشنده . باغبان . راننده . نانوا

جدول شماره ۷ - توزیع فراوانی نقش‌های مربوط به زن (با تفکیک سنی) در کلیه کتب

درصد	فراوانی	نقش نقش
۵۴/۳۹	۹۳	مادر
۱۲/۲۸	۲۱	خانواده : همسر و کدبانو
۶۶/۶۷	۱۱۴	مجموع
۲۶/۳۲	۴۵	بدون تفکیک صریح نقش
۷	۱۲	رهبری بعد اجتماع شغل
۹۹/۹۹	۱۷۱	جمع ستون‌ها

جدول شماره ۸ - توزیع فراوانی نقش‌های مربوط به مرد (با تفکیک سنی) در کلیه کتب

نقش نقش	فراوانی	در صد
پدر خانواده : همسر و تبار مجموع	۷۶	۱۷/۰۸
	۲۴	۵/۳۹
	۱۰۰	۲۲/۴۷
بدون تفکیک صریح نقش	۴۵	۱۲/۱۳
رهبری کشوری و لشگری رهبری دینی شغل‌های ردیف ۱ شغل‌های ردیف ۲ شغل‌های ردیف ۳ مجموع	۱۱۵	۲۵/۸۴
	۹۲	۲۰/۶۷
	۳۹	۸/۷۶
	۱۴	۳/۱۵
	۳۱	۶/۹۷
	۲۹۱	۶۵/۳۹
	جمع ستونها	۴۴۵

جدول شماره ۹ - خصوصیات نیمرخ زن و مرد در تمام واحدهای عنوان روبه‌رفته

مرد		زن		ابعاد
در صد	فراوانی	در صد	فراوانی	
۱۴/۳۷	۲۹۸	۱۵/۰۵	۱۷۷	تعقل و شناخت
۲۰/۷۳	۵۷۰	۱۶/۸۳	۱۹۸	خصوصیات مربوط به بیان شخصی
۳۲/۵۱	۹۰۰	۲۳/۸۰	۲۸۰	خصوصیات عاطفی و اخلاقی
۷/۰۴	۱۹۵	۹/۸۶	۱۱۶	خصوصیات مربوط به جسم
۲۵/۳۲	۷۰۱	۳۴/۴۳	۴۰۵	فعالیت‌های اجرایی
۹۹/۹۷	۲۷۶۸	۹۹/۹۷	۱۱۷۶	جمع

جدول شماره ۱۰ - فراوانی و درصد ایجاد نبرخ زن و مرد بسردرگسال و دختر و پسر
خرمسال در کله واحدهای عشقون

درصد	مجموع		فعالتهای اجرایی		حمومیات مربوط به جسم		خسومیات اخلاقی و عاطفی		حمومیات مربوط به بیان شخصی		تعقل و شصت	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
۹۹/۹۷	۶۱۲	۳۱/۸۶	۱۶۵	۱۲/۰۹	۷۴	۳۳/۵۴	۱۲۸	۹/۴۵	۶۴	۲۶/۰۳	۱۴۱	۲۶/۰۳
۹۹/۹۷	۵۶۴	۳۷/۸۳	۲۱۰	۳۳/۸	۴۳	۲۵/۱۷	۱۴۲	۳۳/۷۵	۱۳۴	۶/۳۸	۳۶	۶/۳۸
۹۹/۹۷	۶۴۸	۳۰/۹۱	۲۰۰	۱۱/۴۴	۳۸	۴۱/۲۳	۱۴۰	۱۶/۸	۴۶	۲۸/۸۴	۱۸۶	۲۸/۸۴
۹۹/۹۷	۲۱۱	۲۳/۶۲	۵۰۱	۵/۷۰	۱۲۱	۳۵/۷۲	۶۸	۲۴/۷۳	۵۲۷	۹/۹۴	۲۱۲	۹/۹۴

مختار خرمسال
زن بسردرگسال
پسر خرمسال
مرد بسردرگسال

جدول شماره ۱۱ - فراوانی و درصد ابعاد تشریح زن از خلال توصیف ارزشهای مسلوب به او در کلیه واحدهای عمول

مجموعه	مطالبات اجرایی		مجموعهات مربوط به خصم		مجموعهات عاطفی و اخلاقی		مجموعهات مربوط به بیان شخصی		تعلل و نتایج		امکان واحد عمول	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد		
۹۹/۱۸	۵۵۱	۲۰/۵۰	۱۱۴	۴/۲۲	۴۱	۳۳/۶۳	۱۰۷	۲۲/۴۱	۱۳۳	۱۵/۸۳	۸۸	فارس
۹۹/۹۷	۱۰۶	۲۲/۹۱	۳۴	۳/۲۵	۳	۴۰/۳۶	۴۴	۲۵/۶۸	۳۸	۴/۱۷	۱۰	تعلیمات دینی
۹۹/۹۸	۸۷	۵۴/۶۲	۴۷	—	—	۱۰/۳۴	۴	۳۲/۳۲	۳۱	۲/۲۶	۲	تعلیمات اجتماعی
۹۹/۹۸	۱۲۲	۲۳/۶۳	۲۲	۳/۲۲	۲	۱۱/۳۹	۲۰	۱/۸۱	۱۲	۴۸/۳۶	۵۱	زیادتات
۹۹/۹۷	۲۵۱	۷۱/۳۱	۱۷۴	۱۵/۱۳	۳۸	۵/۵۷	۱۴	۰/۲۱	۲	۲/۱۷	۱۸	علوم
۹۹/۹۱	۵۱	۳۲/۳۵	۱۱	۵۰/۱۸	۳۱	۱۱/۳۶	۲	—	—	—	—	هنر

جدول شماره ۱۲ - فراوانی و درصد ابعاد تیرخ مرد از خلال نقش‌های منسوب او در کلبه واحدهای عنوان

مجموع	فدالت‌های اجرائی		خصوصیات مربوط به جسم		خصوصیات اخلاقی و عاطفی		خصوصیات مربوط به بیان شخصی		نمقل و شناخت		ایجاد واحد عنوان	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد		
۱۱/۱۷	۱۱۲۵	۱۱/۳۷	۱۲۸	۷/۳۶	۸۳	۴۵/۶۶	۵۱۵	۱۴/۱۳	۱۵۱	۲۱/۳۳	۲۴۰	فارسی
۱۱/۱۶	۵۱۷	۳۰/۳۶	۱۵۷	۳/۶۸	۱۹	۴۶/۴۲	۳۴۰	۸/۶۲	۴۲	۱۱/۴۱	۵۱	تعلیمات دینی
۱۱/۱۶	۶۲۴	۳۵/۶۶	۱۵۲	۰/۶۴	۴	۱۱/۸۶	۱۲۴	۵۳/۰۴	۳۳۱	۱/۲۸	۸	تعلیمات اجتماعی
۱۱/۱۷	۳۲۷	۱۷/۱۸	۳۶	۱۱/۴۵	۳۶	۷/۶۲	۱۸	۶/۶۶	۱۴	۵۷/۶۶	۱۳۰	رامسیات
۱۱/۱۸	۳۱۱	۶۰/۵۶	۲۰۴	۱۴/۳۶	۴۶	۸/۰۳	۲۵	--	--	۱۱/۵۷	۳۶	علوم
۱۱/۱۸	۴۱	۳۶/۵۸	۱۵	۴۳/۶۰	۱۸	۱۲/۶۶	۵	۲/۳۱	۳	--	--	هنر

جدول شماره ۱۳ - درصد سنی صفتی اطفال مبتلین و مؤلفه های مربوط به زن و مرد به حسب کل مبتلین استخراج شده در کلیه واحدهای عنوانی و مجموع آنها ، برای هر دو جنس نوزاد .

ایجاد واحد عنوان	تفاتی و شایعات		مجموعیات مربوط به بیان تخصصی		مجموعیات عاطفی و اخلاقی		مجموعیات مربوط به جسم		فدائیهای اجرائی		مجموع	
	وزن	سرد	وزن	سرد	وزن	سرد	وزن	سرد	وزن	سرد	وزن	سرد
فارسی	۵/۲۴	۱۴/۲۷	۱۶/۴۱	۹/۴۵	۱۱/۱۲	۳۰/۸۴	۲/۴۳	۴/۸۳	۱/۲۸	۷/۸۱	۳۳/۰۷	۶۶/۹۲
تفلیسات دینی	۱/۵۶	۱/۴۲	۴/۴۲	۶/۴۰	۶/۵۲	۳۸/۳۳	۸۳/۰	۲/۰۳	۳/۸۳	۲۵/۰۷	۱۲/۳۱	۸۲/۵۸
تفلیسات اجتماعی	۰/۶۸	۱/۱۲	۴/۰۶	۵/۵۵	۱/۲۶	۳۳/۴۴	—	۰/۵۶	۶/۶۱	۲۲/۰۸	۱۲/۳۳	۸۲/۶۶
زبانیات	۱/۸۰	۳۶/۳۴	۳/۴۳	۱/۱	۸/۳	۵/۹۵	۳۱/۱	۷/۴۴	۷/۳۳	۱۱/۸۷	۳۴/۵۵	۱۵۰/۰۳
علوم تفلیسات	۳/۲۰	۶/۴۰	۰/۳۵	—	۲/۴۹	۳۳/۴	۶/۶۱	۸/۸۸	۳۱/۸۵	۳۱/۳۹	۴۴/۶۲	۵۵/۳۳
هنر	—	—	—	۳/۲۶	۶/۵۲	۵/۴۳	۶/۶۸	۶/۵۶	۲۰/۶۵	۱۶/۳۰	۵۵/۳۳	۴۴/۳۳
کلیه واحدها	۴/۴۸	۱۰/۰۹	۱۰/۰۲	۵۵/۵۵	۷/۰۶	۱۸/۸۱	۳۱/۴	۵/۸۵	۱۰/۳۶	۱۸/۸۷	۳۸/۸۱	۷۰/۱۲

جدول شماره ۱۴ - رتبه نثش‌های موضوع همانند سازی در کتابهای فارسی

زن (بر حسب مجموع فراوانی نثش‌های مربوط به خود)

رتبه	نثش	فراوانی	درصد
۱	دختر	۲۲	۵۵
۲	مادر	۸	۲۰
۳	زن (بدون تفکیک نثش)	۴	۱۰
۴	نثش‌های ردیف ۲	۳	۷/۵۰
۵	مهر	۱	۲/۵۰
۶	کدبانو	۱	۲/۵۰
۷	نثش ندادن (سمولیک) ننه سرما	۱	۲/۵۰
جمع			۱۰۰

توضیح : نثش‌های ردیف ۲ شامل : آموزگار .

مرد (بر حسب مجموع فراوانی نثش‌های مربوط به خود)

رتبه	نثش	فراوانی	درصد
۱	پسر	۲۶	۳۰/۶۵
۲	نثش‌های ردیف ۱	۱۵	۱۷/۸۶
۳	قهرمان ، پهلوان ن	۱۲	۱۴/۲۹
۴	مرد (بدون تفکیک نثش)	۹	۱۰/۷۱
۵	نثش‌های ردیف ۳	۸	۹/۵۲
۶	رهبری	۷	۸/۳۳
۷	پسار	۲	۲/۳۸
۸	نثش‌های مذهبی	۲	۲/۳۸
۹	نثش‌های ردیف ۲	۲	۲/۳۸
۱۰	مرد نر و نند	۱	۱/۱۹
جمع			۸۴

توضیح : نثش‌های ردیف ۱ شامل : نثش‌های مختراع و کاشف ، نثش فیلسوف و دانشمند ، نثش شاعر و نویسنده و نثش :

نثش‌های ردیف ۲ : شامل : معلم ، سپاهی داتش
نثش‌های ردیف ۳ : شامل : جوان ، نانوای ، بنا ، آسیابان ، باغبان

جدول شماره ۱۵ - رتبه‌ی نقش‌های موضوع همانند سازی در کتابهای فارسی

رتبه نقش‌های موضوع همانند سازی در کتابهای فارسی در زنها و مردها (توأمأ) رتبه نقش‌ها به تفکیک جنس فارسی در زنها و مردها (توأمأ*)

رتبه	نقش	فراوانی	درصد
۱	مرد	۵۸	۶/۷۷
۲	پسر	۲۶	۰/۹۷
۳	دختر	۲۲	۷/۷۴
۴	زن	۱۸	۴/۵۲
جمع		۱۲۴	۱۰۰

رتبه	نقش	فراوانی	درصد
۱	پسر	۲۶	۲۰/۹۷
۲	دختر	۲۲	۱۷/۷۴
۳	نقش‌های ردیف ۱ در مردان	۱۵	۱۲/۱۰
۴	قهرمان ، پهلوان در مردان	۱۲	۹/۶۸
۵	مرد (بدون تفکیک نقش)	۹	۷/۲۶
۶	مادر	۸	۶/۴۵
۷	نقش‌های ردیف ۳ در مردان	۸	۶/۴۵
۸	رهبری (در مردان)	۷	۵/۵۶
۹	زن (بدون تفکیک نقش)	۴	۳/۲۴
۱۰	نقش‌های ردیف ۲ در زنان	۳	۲/۲۴
۱۱	پسر	۲	۱/۶۱
۱۲	نقش‌های مذهبی (در مردان)	۲	۱/۶۱
۱۳	نقش‌های ردیف ۲ در مردان	۲	۱/۶۱
۱۴	کدبانو	۱	۰/۸۱
۱۵	نقش نمادین (سمبولیک) ننه سرما	۱	۰/۸۱
۱۶	مرد ثروتمند	۱	۰/۸۱
۱۷	همسر (در زنان)	۱	۰/۸۱
جمع		۱۲۴	۱۰۰

جدول شماره ۱۶ - توزیع فراوانی الگوها و مدل‌های موضوع همانند سازی به حسب تفاوت‌های جنس دو گروه در کتابهای فارسی اول تا پنجم .

جمع		مذکر		مؤنث		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۷/۷۴	۲۲	۱۳/۱۰	۱۱	۲۷/۵۰	۱۱	فارسی ۱
۱۹/۳۵	۲۴	۱۳/۱۰	۱۱	۳۳/۵۰	۱۳	فارسی ۲
۱۷/۷۴	۲۲	۲۰/۲۴	۱۷	۱۲/۵۰	۵	فارسی ۳
۱۸/۵۵	۲۳	۲۰/۲۴	۱۷	۱۵	۶	فارسی ۴
۲۶/۶۱	۳۳	۲۳/۳۲	۲۸	۱۲/۵۰	۵	فارسی ۵
۶۹/۴۹	۱۲۴	۱۰۰	۸۴	۱۰۰	۴۰	جمع

نمبرخ شماره ۱ - دختر و زن بزرگسال در کلیه و حدهای عنوان

زن		دختر		شواهد (نمونه)	مقولات	ایجاد
مجموع فراوانی ایجاد	مقولات مجموع فراوانی	مجموع فراوانی مقولات	مجموع فراوانی ایجاد			
۱۳		۱۲۰		کنجکامی ، یادگیری ، مطالعه ، سؤال کردن	۱ - مکانیزم	۱ - تعقل و شناخت
	۳۶		۱۴۱			
۲۳		۲۱		وقوف ، آگاهی ، دانستن	۲ - محصول	
۱۲		-		آزار رساندن ، صلحه زدن ، خشم و طغیان	۱ - استیلاگری	۲ - خصوصیات مربوط به بیان شخصی
۹۳	۱۳۴	۴۲	۶۴	اطهارنظر ، پایداری ، تصمیم گیری عزم و اراده	۲ - اثبات وجود	
۲۹		۲۲		انگاز ، تسلیم ، بی لیاقتی ، عجز و نا توانسی	۳ - ضعف بیان فردی	
۱۴۲	۱۴۲	۱۳۸	۱۳۸	عشق ، مهربانی ، مین پرستی تعلقات خانوادگی ، اندوه و غم شادی و سرور ...		۳ - خصوصیات عاطفی و اخلاقی
۴۲	۴۲	۲۴	۷۴	زیبایی ، لطافت ، تنومندی جسمی بزرگی و کوچکی	۱ - صفات جسم	۴ - خصوصیات جسمی
-		۵۰		پازی و ورزش ، غذا خوردن ، آرایش و نظافت	۲ - فعالیتهای جسمی	
-		۱۴۵		آزمایش ، تجربه کردن ، ساختن و درست کردن وسایل ...	۱ - خلاقیت علمی	
۱۰۱		-		آموختن ، هدایت و ارشاد ، نصیحت و اندرز و تشویق	۲ - تعلیم و تربیت	

بقیه نیمرخ شماره ۱

۳۹	۱۹	۳۳ - کار در خانه	شنشوی ظروف و البسه ، تهیه غذا نظافت خانه
۱۴	۱۰	۴ - فعالیت هنری	نقاشی ، موسیقی ، گل آرایی و تزیین ، رقص و عکاسی
۱۶	۵	۵ - فعالیت تولیدی	کار در کارخانه ، تولید وسایل دامداری و کشاورزی
۱۸	۲	۶ - مراقبت و ستاری	تزیین مسئولیت پرستاری از بیمار
-	۱۲	۷ - سرگرمی و تفریح	جمع آوری آلوم ، جمع آوری عکس عکس ، بافتن ، دوختن
۱۰	-	۸ - اداره و سرپرستی در خانه	تزیین مسئولیت مالی و اداره امور خانه
۱۲	۲	۹ - کار و فعالیت اجتماعی	رای دادن ، انتخاب کردن کار اجتماعی ، آموزگاری و سپاهی انتقال
۵۶۴	۶۱۲	جمع	
۱۱۷۶		جمع کل	

ترکیب داخلی و فراوانی مشاغل مربوط به ابعاد مختلف در نیمرخ زن بزرگسال و دختر خردسال

نمبرخ شماره ۴ - دختر و مادر در کتب فارسی

مادر		دختر		شواهد (نمونه)	مقولات	ایجاد
مجموع فراوانی	مجموع فراوانی	مجموع فراوانی	مجموع فراوانی			
۲	۱۲	۴۷	۶۳	کنجکاو ، یادگیری ، مطالعه ، پرسش و علت جوئی و قوف ، آگاهی ، دانستن	۱ - مکانیزم ۲ - محصول	۱ - تعقل و شناخت
۱۰		۱۶				
-		-			۱ - استیلاگری	
۱۶	۱۸	۳۷	۵۷	اظهار نظر و ابراز رأی ، تصمیم گیری و پایداری ، اقتباس و تقلید ، اتکاء ، ضعف و ناتوانی	۱ - اثبات وجود ۲ - اثبات وجود ۳ - ضعف بیان فردی	۲ - خصومیات مربوط به بیان شخصی
۲		۲۰	۳۰			
۶۵	۶۵	۸۷	۸۷	میهن پرستی ، تعلقات خانوادگی ، دوستی و رفاقت ، عشق ، شادی و سرور ، اندوه و غم و علاقه به حیوانات		۳ - خصومیات عاطفی و اخلاقی
۹	۹	۱۲	۲۳	زیبایی ، لطافت ، قدرت و زورمندی بازی و ورزش ، نظافت و غذا خوردن	۱ - صفات جسم ۲ - فعالیت های جسمی	۴ - خصومیات جسمی
-		۱۱				
۶		۹		سختنوی البسه و ظروف ، طباخی	۱ - کار در خانه ۲ - کار در خارج از خانه	۵ - فعالیت های اجرایی
-		۲		گاو داری		
۵	۶۱	-	۱۲	مسئولیت مالی ، اداره امور ، خرید و مسافرت	۳ - سرپرستی و اداره خانه	
۵		-		پرستاری از بیمار	۴ - مراقبت و پرستاری	
۴۵		-		انتقال فرهنگ ، یاد دادن و آموختن نسیحت و اندرز	۵ - تعلیم و تربیت	
-		۱		نقاشی	۶ - خلاقیت هنری	
۱۶۵		۲۴۲		جمع		
		۴۰۷		جمع کل		

نمبرخ شماره ۳ - ابعاد و متولها و مضامين توصيف كنندهي كليهي
الگوهاي همانند سازي مربوط به جنس زن (در كتب فارسي)

درصد	فراواني	
۲۲/۵۰	۹	۱ - تعقل و شناخت
۱۵	۶	۲ - خصوصيات مربوط به بيان شخصي
۲۷/۵۰	۱۱	۳ - خصوصيات اخلاقي و عاطفي
۱۰	۴	۴ - خصوصيات جسمي
۲۵	۱۰	۵ - فعاليتهاي اجرائي
۱۰۰	۴۰	جمع

نمبرخ شماره ۴ - ابعاد و مقوله‌ها و مضامین توصیف کننده
 کلیه الگوهای همانند سازی مربوط به جنس مرد (در کتب فارسی)

درصد	فراوانی	
۸/۳۳	۷	۱ - تعقل و شناخت
۳۵/۷۱	۳۰	۲ - خصوصیات مربوط به بیان شخصی
۳۶/۹۰	۳۱	۳ - خصوصیات اخلاقی و عاطفی
۹/۵۲	۸	۴ - خصوصیات جسمی
۹/۵۲	۸	۵ - فعالیتهای اجرایی
۹۹/۹۸	۸۴	جمع

فهرست ماخذ

۱ - نيك چهره محسنی - تصوير مقایسه‌ای خود - مجله تازه‌های روانپزشکی ، شماره ۴ - اردیبهشت ۱۳۵۰ - تهران .

۲ - نيك چهره محسنی - « بررسی محتوی کتب درسی دوره ابتدائی » مجله دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران ، دوره چهارم - شماره سوم و چهارم - بهار و تابستان ۱۳۵۴ - تهران .

3. Jousellin, J, Les Révoltes des Jeunes, Ed ouvière. PARIS. 1968.
PARIS . 1968.

4. Maisdnneuve, J, techniques de psychologie sociale, in bulletin de psychologie, tome XII, 1959. PP. 606-689.

جدول شماره ۴ - جدول توزیع فراوانی نقش‌ها به حسب واحدهای عنوان در مورد زن

نقش واحد عنوان	دختر	مادر	زن در خانواده همسر کدبانو	زن بدون نقش	حوزه رهبری	نقش‌های ردیف ۱	نقش‌های ردیف ۲	نقش‌های ردیف ۳	جمع
فارسی	۷۳ ۲۴۱	۵۰ ۱۶۵	۱۶ ۳۲	۲۵ ۷۲	۳ ۹	-	۴ ۳۷	-	۱۷۱ ۵۵۶
تعلیمات دینی	۱۲ ۲۳	۲۴ ۵۰	۵ ۱۸	۸ ۱۸	-	-	-	-	۴۹ ۱۰۹
تعلیمات اجتماعی	۳ ۱۱	۷ ۹	-	۹ ۶۰	۳ ۳	-	۱ ۴	-	۲۳ ۸۷
علوم	۱۲ ۳۱۱	۳ ۲۱	-	- ۱۱	-	-	۱ ۸	-	۱۶ ۲۵۱
ریاضیات	۸۹ ۱۰۹	۸ ۱۱	-	۱ ۲	-	-	-	-	۹۸ ۱۲۲
هنر	۴ ۱۷	۱ ۱	-	۲ ۳۳	-	-	-	-	۷ ۵۱
جمع	۱۹۳ ۶۱۲	۹۳ ۲۵۷	۲۱ ۵۰	۴۵ ۱۹۶	۶ ۱۲	-	۶ ۴۹	-	۳۶۴ ۱۱۷۶

توضیح: ارقامی که در قسمت پائین و چپ هر ستون قرار دارد مربوط به جمع مقوله‌ها و مضامین توصیف کننده نقش است که فراوانی آن در قسمت بالا همان ستون داده شده است.
 نقش‌های ردیف ۲: آموزگار - سیاهی انقلاب - کارمند
 حوزه رهبری: ملکه، وزیر.

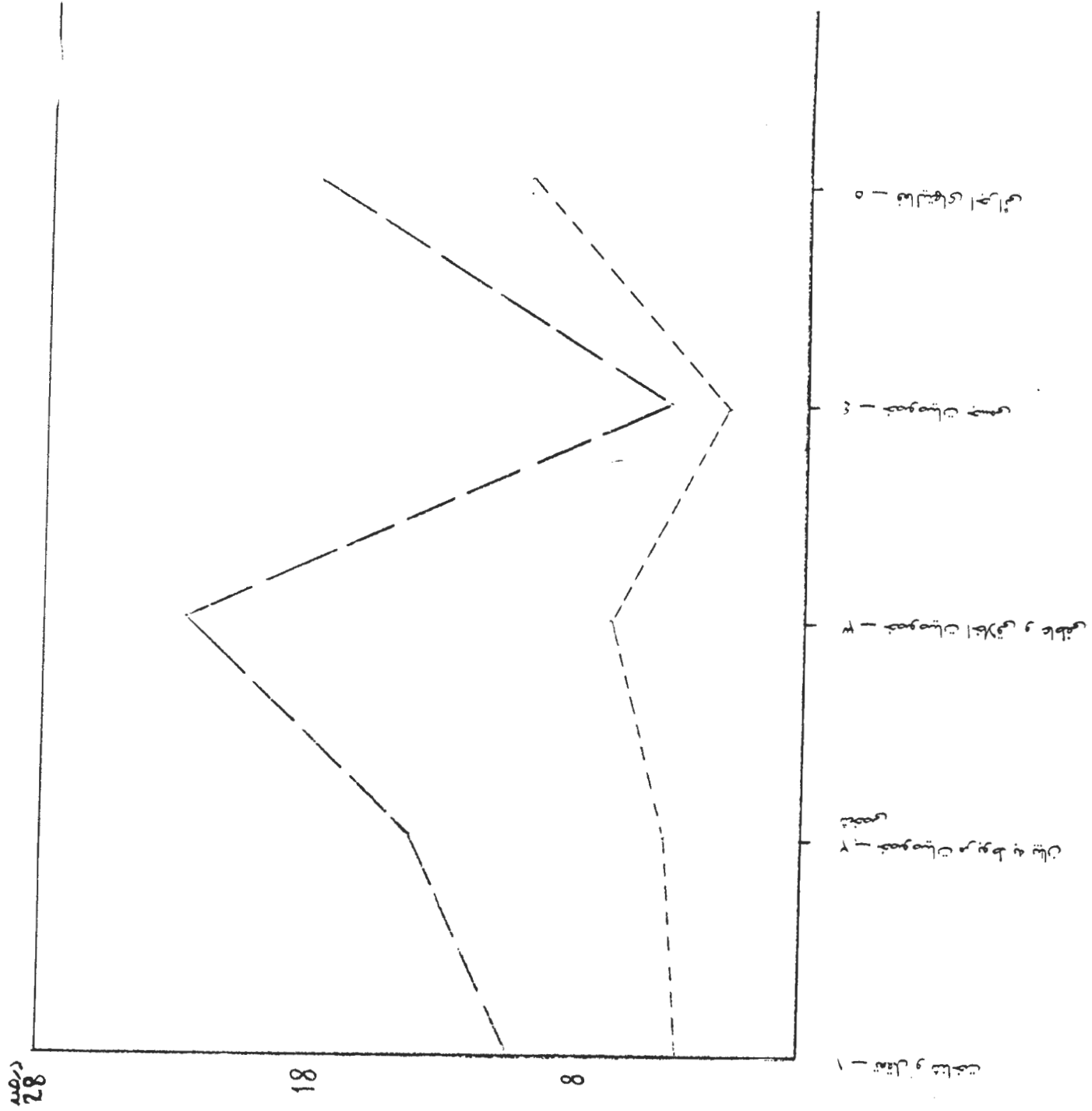
جدول شماره ۳ - جدول توزیع فراوانی نقش‌ها به حسب واحدهای عنوان در مورر مرد

نقش واحد عنوان	پسر	پسر و پسند	مرد در خانواده همسر	مرد نقش	رهبر اجتماعی سیاسی جنگی	رهبر دینی	نقش‌های ردیف ۱	نقش‌های ردیف ۲	نقش‌های ردیف ۳	نسخ‌های نثاری	جمع
فارسی	۴۷	۴۲	۴	۳۳	۵۰	۲	۳۵	۱۱	۱۷	۱۰	۲۵۱
تعلیمات دینی	۱۲	۱۱	۲	۱۲	۳	۸۳	-	۱	۱	۸	۱۳۳
تعلیمات اجتماعی	۴	۷	-	۷	۶۰	۷	۲	۱	۳	-	۹۱
علوم	۱۵	۳	-	-	-	-	۲	-	۱	-	۲۱
ریاضیات	۹۵	۱۳	-	-	۱	-	-	۱	۹	-	۱۱۹
همسر	۳	-	-	۲	۱	-	-	-	-	-	۶
جمع	۱۷۶	۷۶	۶	۵۴	۱۱۵	۹۲	۳۹	۱۴	۳۱	۱۸	۶۲۶

توضیح: نقش‌های ردیف ۱: دانشمند. مخترع. مکتشف. فیلسوف. شاعر. ادیب و نویسنده
 نقش‌های ردیف ۲: آموزگار. سپاهی انقلاب. مهندس. کارمند.
 نقش‌های ردیف ۳: گارگر. پیشه‌ور. کشاورز. فروشنده. باغبان. راننده و نانوا

شماره ۱ - نمودار توزیع درصد فراوانی های ابعاد توصیف کننده نیرخ زن و مرد
 بر حسب مجموع فراوانی های ابعاد توصیف کننده نیرخ زن و مرد .

زن - - - -
 مرد - - - -



شماره ۴ - نمودار توزیع درصد فراوانی‌های ابعاد توصیف‌کننده نبرخ‌ها

- زن (بر حسب مجموع فراوانی ابعاد توصیف‌کننده نبرخ زن)
- مرد (بر حسب مجموع فراوانی ابعاد توصیف‌کننده نبرخ مرد)
- هر دو جنس (بر حسب مجموع فراوانی ابعاد توصیف‌کننده نبرخ زن و مرد) (تواناً)

